

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۴
یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۹ ربيع الثانی ۱۴۰۱ - بها: ۱۵۰ ریال

حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران راهم چنان تهدید میکند

در تابستان سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) کاخ سفید تصمیم گرفت که یک ناوگروه از نیروی دریایی خود را به آبهای خلیج فارس اعزام دارد. آمریکا، پس از پیدایش بحران در روابط ایران با آمریکا، این اقدام را با مسئله «گروگانگیری» جاسوسان آمریکایی و تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران و همچنین رویدادهای افغانستان توجیه کرد. اما اکنون، با وجود حل مسئله «گروگانها»، ناوهای جنگی و واحدهای نیروی هوایی آمریکا همچنان به پوشش دادن منطقه تپه شده. همزمان با آماده شدن چنین طرحهایی، دولت آمریکا مذاکرات درباره غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند را، که به پیشنهاد دولت اتحاد شوروی آغاز شده بود، قطع کرد و بدین ترتیب زمینه را برای آماده کردن طرحهای نظامی و استقرار واحدهای نیروی دریایی و هوایی خود در این منطقه فراهم ساخت.

«گروگانگیری» دیپلمات های جاسوس آمریکا، بلکه با هدف شکست انقلاب و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران انجام میگردد. طرحهای عمومی گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، طیسالهای متعددی در وزارت جنگ آمریکا آماده شده است. در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) حتی طرحهای مربوط به شیوه های گوناگون پیاده کردن نیرو و نقشه های عملیات تاکتیکی در این منطقه تهیه شد. همزمان با آماده شدن چنین طرحهایی، دولت آمریکا مذاکرات درباره غیرنظامی کردن منطقه اقیانوس هند را، که به پیشنهاد دولت اتحاد شوروی آغاز شده بود، قطع کرد و بدین ترتیب زمینه را برای آماده کردن طرحهای نظامی و استقرار واحدهای نیروی دریایی و هوایی خود در این منطقه فراهم ساخت.

بنایه گفته سخنگوی پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا)، نیروهای نظامی آمریکا در پایان ماه جاری در خاک عمان مانورهای نظامی انجام خواهند داد. خبرگزاری یونایتد پرس در این باره گزارش داد که ۲۰۰ هزار نفر از سربازان «نیروهای واکنش سریع» در این مانورها شرکت خواهند کرد. مسلم است که هدف عمده این قدرت نمایی نظامی آمریکا، تهدید مستقیم است علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران. در آستانه امضاء موافقت نامه ایران و آمریکا در مورد آزادی «گروگانها» و استرداد اراضیهای جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که بر تعداد واحدهای نیروهای مسلح خود در منطقه خلیج فارس خواهد افزود. این واقعتی باریک تریه شد که تدارکات جنگی و توطئه های امپریالیسم آمریکا نه بخاطر

لایحه قانونی شورای عالی قضائی در مورد آزادی احزاب

و جمعیتها قانونی در خور انقلاب بزرگ مردم ایران

ما امیدواریم که این لایحه قانونی هر چه سریعتر در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و عوامل نقض کننده آن مرتفع گردد.

طرح قانونی تشکیل و فعالیت جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظایر آنها در شصت و سومین جلسه شورای عالی قضائی به تصویب رسید و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده شد. متن کامل این طرح قانونی بقرار زیر است:

بقیه در صفحه ۷

جلال الدین فارسی:

روابط ما با دولت اتحاد شوروی پیش از پیش صمیمانه شده است

* الکساندر زاکاروف: پشتیبانی ما از انقلاب ایران همیشگی است.
* یوگنی ایوانف: امیدواریم همکاری میان دو کشور در همه زمینهها گسترش یابد.
* یوگنی سرکیف: رشته های دیرین دوستی، خلق های ایران و شوروی را با یکدیگر پیوند میدهد

پشتیبانی اتحاد شوروی از انقلاب ایران همیشگی است

الکساندر زاکاروف، معاون اول ریاست «کمیته شوروی همبستگی کشورهای آسیا و آفریقا» خطاب به میهمانان ایرانی گفت: «ما به شما، و از طریق شما، به مردم کشور دوست خود، ایران، شادباش میگوئیم - مردمی، که با انقلاب تاریخی خود، رژیم شاه منقرض را وازگون ساختند و اینک به مبارزه دشوار و درعین حال عادلانه خود علیه امپریالیسم مشغولند. خلق های کشور ما این بقیه در صفحه ۷

پیرو فرمان امام خمینی به «شورای عالی تبلیغات اسلامی» و برای معرفی انقلاب ایران به جهان، در آستانه دومین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن، ۴۰ هیئت نمایندگی رهسپار کشور جهان شدند.

در این چارچوب، یک هیئت نمایندگی نیز، بریاست آقای جلال الدین فارسی، از اتحاد شوروی دیدار میکند. این هیئت در تاریخ ۲۱ بهمن ۵۹ وارد مسکو شد و در فرودگاه از سوی نمایندگان «کمیته شوروی همبستگی کشورهای آسیا و آفریقا»، «انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران» و «شورای امور دینی» هیئت وزیران اتحاد شوروی و غیره مورد استقبال قرار گرفت.

بدون شرح

ایران تا بجز

نشر به مستقل ایرانیان مقیم ایالات متحده و کانادا

شماره پستی: ۱۳۵۹۱۵۰۱ سال ۱۳۵۹ شماره ۱۷۸

روزنامه ای

خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد

حزب توده برای هر مسئله طرح دارد و آنرا با پوشش اسلام بیسان می کند و متأسفانه دوستان نادان هم آنرا تکرار می کنند» (سخنرانی در مسجد گوهرشاد مشهد - چهارم بهمن ۱۳۵۹)

دکتر رفیعی نماینده «دفتر هماهنگی» در ایران شمر:

«تضاد اصلی ما با حزب توده است. حزب توده به همراهی چریکهای فدایی (اکثریت) اتحاد کمونیستی تشکیل داده اند، تا حکومت را بدست خود بگیرند.» (سخنرانی در هنرستان آلدیوش ایران شمر - ساعت ۳ بعد از ظهر ۱۵ دیماه ۱۳۵۹)

رونالد ریگان:

«خطر بزرگ آن است که حزب توده ایران قدرت را در دست گیرد. به نظر ما خطری که همه ما را تهدید می کند از جانب چپها است. حزب توده در ایران در انتظار آن است که این هرج و مرج تا آنجا برسد که این حزب احتمالاً بتواند خود را وارد صحنه کند.» (نشریه ضد انقلابی «ایران تا بجز» - ۲۶ دیماه ۱۳۵۹)

محمد جعفری مدیر مسئول روزنامه «انقلاب اسلامی» در مشهد:

خطر اصلی ایران امروز

ضربات جدید رزمندگان بر نیروهای متجاوز صدام

* در ۲ روز گذشته چندین تانک، تعدادی خودرو و چنانچه انبار مهمات دشمن منهدم شد.

طبق اطلاعیه شماره ۴۰۳ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، رزمندگان انقلاب در قوای دشمن متجاوز وارد آوردند.

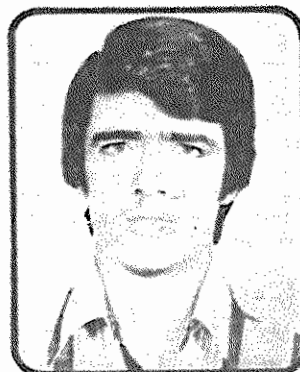
در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، رزمندگان انقلاب در ۲ روز گذشته ضربات دیگری بر قوای دشمن متجاوز وارد آوردند.

نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست

رفیق قهرمان، محزون نادری، به قافله شهدای توده ای پیوست

* رفیق محزون نادری در شب اعزام به جبهه وصیت کرد: اگر شهید شدم، حتماً از طرف حزب برایم گل بیاورند و روی گورم از قول من بنویسند: زنده باد حزب توده ایران!

گذرانند که مدام با ربه ها در حال کوچ بود. رفیق محزون با نوای نی چویانان قد کشید و در گذر از کوه های سر بفلک کشیده، بسا مبارزه آشنا شد. او رنج را در کوچ شناخت و با استماروفقی در جاده های عشایری آشنا شد. رفیق محزون ۱۴ ساله بود که در جستجوی نان باصفهان رفت و در یک مغازه خیالی به شاگردی پرداخت. مزدی که رفیق محزون در بقیه در صفحه ۲



شهیدی دیگر به قافله ی خونین شهدای توده ای پیوست. رفیق توده ای محزون نادری بلداجی (محمود) در سنکر نبرد با دشمن متجاوز، جان خویش را نثار انقلاب کرد. رفیق شهید محزون از تبار رنج و کار بود. او در سال ۱۳۳۵، در روستای بلداجی، در نزدیکی بروجین، در خانواده ی عشایری بدینا آمد. رفیق محزون کودکی را در آغوش خانواده ای

کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بیانیه نهایی، خواستار برچیده شدن کلیه پایگاههای خارجی از اقیانوس هند شد

صفحه ۸

ورزش در خدمت انقلاب و رزمندگی مردم

صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

سیاست اصولی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، «داخل کشور» و «خارج کشور» ندارد!

نشریه «پیام انقلاب»، ارگان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، در شماره ۲۵ خود، مصاحبه‌ای با نمایندگان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور» منتشر ساخته است.

نمایندگان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور» در این مصاحبه، به حق نارسایی‌های سفارتخانه‌های ایران را متذکر شده و توجه مسئولین امر را به وضع این مراکز، که باید مبلغ و مروج انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان باشند، جلب کرده‌اند. آنان در این گفتگو، ضمن اشاره به مشکلاتی که دانشجویان مترقی در خارج کشور در دفاع از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارند و کارشکنی‌های ضدانقلاب و گروهک‌های چپ‌نما و سوءاستفاده آنان از وضع نابسامان سفارتخانه‌ها، خواستار آن شده‌اند که سیستم حاکم بر سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران بنحوی متحول شود که «دفاع از آن راحت‌تر» شود.

متأسفانه این دوستان، در جوار این نکات صحیح و بجا، که مورد تأیید ما است و نامه «مردم» بارها ضرورت آن را متذکر شده، از حزب توده ایران در ردیف گروههایی که «خصوصتشان با انقلاب ما مشخص شده» و علیه جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور خرابکاری می‌کنند، نام برده‌اند.

البته شاید پاسخ به این ادعاهای بی‌فایده نرسد، زیرا مشی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عیان‌تر از آن است که نیاز به توضیح و اثبات داشته باشد. تصور می‌کنیم که این دوستان، اگر حتی به نشریات ضدانقلاب و گروهک‌های چپ‌نما در

همان خارج از کشور نظری بیفکنند و یا به رادیوهای ضدانقلاب لحظه‌ای گوش فرا دهند، برایشان روشن خواهد شد که حزب توده ایران درست به دلیل دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و هواداری از خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی، در معرض شدیدترین حملات امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و عمال رنکارتنگ آن قرار دارد. چه ما توده‌ای، که تاکنون در جبهه‌های جنگ میهنی علیه تجاوزگران صدامی به شهادت رسیده‌اند، گواه صداقت ما در پیگیری این مشی اصولی و انقلابی است. طبیعی است که سیاست یک حزب انقلابی و توده‌ای، مانند حزب توده ایران، یک مجموعه واحد و منسجم است و «داخل کشور» و «خارج کشور» ندارد و مبارزین توده‌ای در هر گوشه جهان، دفاع از انقلاب و میهن انقلابی خود و امام خمینی، رهبر گرانقدر انقلاب را مقدم‌ترین وظیفه خود می‌شمرند.

نمایندگان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج کشور» مسلماً در کشورهایی که به تحصیل اشتغال دارند، فعالیت‌های تبلیغی حزب توده ایران را از نزدیک دیده‌اند و خود شاهد و ناظر دهبا نمایشگاه و مراسم، که توسط حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در هربری آن - امام خمینی - برگزار گردیده، بوده‌اند. لذا شایسته بود که نمایندگان «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در خارج کشور»، بجای نادیده گرفتن این واقعیت، کوشش و تلاش پیکر حزب ما را در شناسایی چهره واقعی انقلاب ایران و رهبر سازش‌ناپذیر آن - امام خمینی و در جهت اتحاد نیروهای راستین مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بیان می‌کردند.

نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱
از ای ۱۲ ساعت کار طاقت فرسا می‌گرفت، آنقدر ناچیز بود که مجبور شد برای بی‌توجه شبانه، به نزد یکی از دوستانش در کاروانسرای روستا برود. در اینجا او با چهره دیگری از فقر رو در رو شد و دراعناق توده‌ها، ظلم و استثمار طبقاتی را با گوشه و پوست حس کرد. وقتی انقلاب آغاز شد، رفیق محزون، که شناخت خویش را با مطالعه آثار اجتماعی با دانش انقلابی پیوند زده بود، در صف اول نبرد جای گرفت. اکنون نوبت نبرد بود. اکنون وقت آن رسیده بود که برای تغییر نظامی که رفیق محزون، عفونت آن را در لحظه لحظه حیاتش حس کرده بود، باید دست‌بکار میشد. و رفیق محزون تنها نبود. در کنار او مردان و زنانی از تبار رفیع کار می‌زمیدند و با خون‌ودانش خویش فولاد رزم را جلا می‌زدند. رفیق محزون در همان روزهای اول نبرد از آنان پرسید:

شما کیستید؟
آنان پاسخ دادند:
ما توده‌ای هستیم!

و آنک دست بلند حقیقت، دست نیرومند رفیق محزون را فترد. رفیق محزون نادری به حزب توده ایران پیوست. از این پس، زندگی او، مسانند همه توده‌ای‌ها، چیزی غیر از نبرد و ایثار نبود.

با آغاز یورش دارودسته صدام به خاک میهن انقلابی ما وانتشار فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیق محزون داوطلبانه



زحمتکشان روستای بلداجی گور رفیق قهرمان را گل‌باران کردند.

به جبهه‌های نبرد رفت و رفیق محزون در شب اعزام به جبهه، به خانواده‌اش وصیت کرد: «اگر شهید شدم، حتماً از طرف حزب برایم گل بیاورند. از قول من روی گورم بنویسید: زنده‌باد حزب توده ایران.»

و بدینسان رفیق محزون در صف اول جای گرفت. و در همین صف بود که وقتی می‌خواست رزمنده مسلمان مجروحی را از میان دود و آتش بیرون ببرد،

بوقرآباد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

ضربات جدید...

بقیه از صفحه ۱
منطقه آبادان، یک تیربار ضد هوایی، یک تانکر سوخت و یک مرکز دیده‌بانی و چندین سنگر انفرادی دشمن را به آتش کشیدند و ۱۰ نفر از متجاوزین را کشتند یا مجروح کردند. این اطلاعیه همچنین حاکیست، در یکی دیگر از جبهه‌های این منطقه، رزمندگان انقلاب ۲ خودروی حامل مهمات، یک انبار مهمات، یک سنگر تیربار، یک خودرو و تعدادی سنگر گروهی دشمن را نابود ساختند.

در منطقه اهواز، رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۲ تانک، ۴ خودرو و ۳۰ سنگر انفرادی دشمن را منهدم کردند و ۴۵ نفر از متجاوزین را کشتند و یا مجروح کردند. برطبق همین اطلاعیه، روز ۲۳ بهمن، دشمن ششس گیلانغرب را زیر آتش توپخانه گرفت و به چند خانه مسکونی خساراتی وارد کرد. همچنین رزمندگان انقلاب روز ۲۳ بهمن مواضع دشمن در مناطق «بیاره»، «جلال‌آباد» و «هرگینه» عراق را زیر آتش گرفتند و ۱۰ خودرو، یک انبار مهمات، تعدادی چادر گروهی و یک برج دیده‌بانی دشمن را منهدم کردند و ۲۴ نفر از متجاوزین را کشته و ۲۶ نفر را مجروح کردند.

اهدای سپاه پاسداران انقلاب

روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، در اطلاعیه‌ای، گزارش عملیات سپاه پاسداران انقلاب را در روزهای ۲۳ و ۲۴ بهمن به اطلاع رساند. برطبق این اطلاعیه، واحد خمپاره‌انداز سپاه مسیر تدارکاتی دشمن را در محور خونین شهر-اهواز، زیر آتش سنگین خود قرار داد که در نتیجه، چند دستگاه لودر و عده‌ای از تجاوزگران به هلاکت رسیدند. همچنین در تاریخ ۲۳ بهمن بر اثر آتش سنگین رزمندگان سپاه در محور جاده آبادان - ماهشهر، یک دستگاه تانک و یک دستگاه خودروی متجاوزین با سرنشینان آن منهدم شد. این اطلاعیه همچنین حاکیست رزمندگان سپاه در جاده فیاضیه - آبادان، یک دستگاه خودرو با خدمه آن را منهدم کردند. در همین جبهه پاسداران انقلاب موفق شدند، یک انبار مهمات دشمن را منهدم کنند. در جریان این عملیات عده‌ای از تجاوزگران صدامی کشته و یا زخمی شدند. برطبق همین اطلاعیه، رزمندگان سپاه پاسداران روز ۲۴ بهمن، ۳ دستگاه تانک دشمن را به همراه خدمه آن در محور جاده آبادان - ماهشهر منهدم کردند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

- خانم زند ۵۰۰ ریال
- احمد پ. ۹۰۰۰ ریال
- ازپول گلدوزی لباس از ن. ف. ۲۰۰۰ ریال
- کامبیز از انزلی ۱۰۰۰ ریال
- ا. ر. ۲۰۰۰ ریال
- صندوقدار بندر ۲۰۰۰ ریال

تهران و جنگ

بال سیاه و مدش اهریمن جنگ
اقتاده سنگین بر سر شبهای تهران
تنها چراغ روشن شهر
ماه است - ماه کهربا رنگ
سوزد فراز بام ناپیدای تهران
تهران تاریک
تهران خاموش
زیبای پربصر سیه‌پوش.

تا بد چو خورشید سحر برکوه البرز
بر آن همه برغی طلاسی
دل گرتگرده عاشق شیدای تهران
دل نیست. سنگ است
اما چه جای عشق‌بازی با طبیعت؟
امروز جنگ است.
از سرنوشت میهن و مردم جدایی
ننگ است - ننگ است.

مائیم و ایسران
دریای خشم و خون و توفان
ننگ است سنگ ساحل آرام بودن
با این همه ایثار مجرومان عاصی
ننگ است خودبین بودن و خودکام بودن

کی میتوان درخانه شب آسوده دل خفت؟
وقتی هزاران هموطن بی‌خانمانند
آوارگان جنگ - جنگ بی‌امانند.

امروز هرسو بنگری
با فخر گوید مادری
«فرزند من هم

مردانه در راه وطن جنگید و جان داد»
آن کودک شش‌ساله پول قلکش را
دیدم برای جبهه رزمندگان داد.

بگذار آن «بدنام تکریتی» بشم
بگذار تا دنیا بداند
ما نسل پیکار و امیدیم
ما وارثان قهرمانان شهیدیم
در کشور ما قهرمان زنده کم نیست
ایران دگر محکوم خواری و ستم نیست
این، سرزمین ترس و تاریکی و غم نیست.

تهران تاریخ‌آفرین! تهران مغرور
بینم که شبهایت شود دریاچه نور
شبهای تو
شبهای ایران
امید ما - پیروزی فردای ایران.

تهران - دیماه ۱۳۵۹
ژاله

«لوح افتخار» را کامل کنیم

بمناسبت ۱۴ بهمن، روز شهیدان حزب و جنبش، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفقا و هواداران حزب توده ایران، تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند.

نام تازمائی که به «لوح افتخار» افزوده شده، رفیق حسین اوحلی اصفهانی، سرکارگر کارخانجات ریسندگی و بافندگی وطن (اصفهان) است، که در روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ به شهادت رسیده است.

باتشکر فراوان از رفیقی که این اطلاع را به ما داده است، باردیگر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می‌کنیم.

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

چندی پیش دیداری دوستانه میان نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق صورت گرفت.

در این دیدار درباره مهم ترین مسائل بین المللی، به ویژه جنگ تجاوزگرانه دارو دسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، و مناسبات میان دو حزب برادر مذاکره و تبادل نظر شد.

نمایندگان کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، ضمن آگاه ساختن نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران از اوضاع عراق اظهار داشتند:

* مشی گروه حاکم، که یلخوم ماه زوئیه ۱۹۷۹ (تابستان ۱۳۵۸) حزب کمونیست عراق از ماهیت آن برده برداشت، راستایی خطرناک و ویرانگر را برگزیده است. اینک عراق با بحرانی همه جانبه و پس حاد روبرو است.

اعلامیه های حزب کمونیست عراق در دوران اخیر صفحاتی دهشتناک از هزاران رویداد خونبار را در بر می گیرد. ترور، سرکوب و اعدام هزاران نفر از مخالفان کسوری و لشگری رژیم، مرکب از کمونیست ها، دمکرات ها، ملیون - مترقی، هواداران جنبش مذهبی و صدها تن از مسئولان و اعضای حزب حاکم، خشم جهانیان را برانگیخته است.

* سیاست نژاد پرستانه دارو دسته حاکم، مستمیدگی خلق کرد را شدت بخشیده و شوونیسم این دارو دسته در برخورد با مسئله کرد گسترش یافته است. خلق کرد، که از همه پیشتر آماج ترور، اختناق، تحقیر و جنایت کاری دارو دسته فرمانروا بوده، بار دیگر ناگزیر شده است که برای دفاع از موجودیت خود و حقوق ملی خویش، به قیام مسلحانه مبادرت ورزد.

* تشدید دیکتاتوری فردی، نژاد - پرستی، فاشیسم گرایی و تبعیض مذهبی و ملی، مشی دارو دسته حاکم را به سیاست مسلط رژیم تبدیل ساخته است. این سیاست بر برمنشانه خشم عمیق توده های زحمتکش را برانگیخته و آن ها را به پیگیری دلیرانه علیه رژیم واداشته است.

* گروه حاکم موضع گیری های خود را به زبان مبارزه ضد امپریالیستی وضد صهیونیستی افزایش داده، در برابر "جبهه پایداری" روشی آشکارا ستیزه - جویانه برگزیده و پیوندهای خود را با رژیم های ارتجاعی عرب گسترش بخشیده است. دارو دسته حاکم مناسبات اقتصادی - سیاسی رژیم را با کشورهای امپریالیستی، به گونه ای شگفتی آور توسعه داده، مدعی رهبری جهان عرب شده و نقشی ارتجاعی، اندر جنبش کشورهای غیرمتعهد در پیش گرفته است.

* در حالی که اقتصاد عراق هرچه بیشتر به وابستگی به بازار سرمایه داری جهانی می گراید، حجم سهم، ادوات بازرگانی آن با کشورهای سوسیالیستی، عربی و رشد یابنده رو به کاهش می رود. از سوی دیگر، سیاست عراق نسبت به اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیستی هرچه بیشتر خصمانه می شود.

* در عراق فاصله طبقاتی تعمیق می یابد، توزیع درآمد ها ناعادلانه تر می شود، استثمار کارگران و دهقانان فزونی می گیرد، بحران مسکن حدت می پذیرد و تورم و گرانی بیداد می کند. سیاست نفتی رژیم آشکارا در جهت خدمت به منافع کشورهای سرمایه داری و انحصارهای نفتی آن ها قرار دارد.

* جنگ دارو دسته صدام علیه انقلاب ایران تشمی فاجعه آمیز و ادامه طبیبی خط منشی عمو فای این دارو دسته، ایدئولوژی نژاد پرستانه و مناسبات مشکوک آنست. این جنگ تلاشی است بیهوده برای منحرف ساختن انظار از بحران حاد رژیم، تحکیم مواضع آن، رویارویی با مخالفت گسترده خلق و ایستادگی در برابر تندبادی، که به ویژه پس از پیروزی انقلاب ایران، بر - منطقه می وزد.

* پایه پای تشدید مظاهر بحران و انفراد روز افزون رژیم در داخل و خارج، نفرت و انزجار توده ها افزایش یافته و همه نیروهای خلق را، صرف نظر از وابستگی های ملی و مذهبی، فراگرفته است. کوشش احزاب و نیروهای میهن - دوست، ملی و مترقی به پیدایش همبستگی های رزم جویانه ای انجامید، که با استقبال توده های مردم روبرو شد.

حزب کمونیست عراق بار دیگر جنایت فرمانروایان عراق را در برافروختن جنگ تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران یادآور میشود، ضمن تأیید همبستگی خود با انقلاب ایران و حزب توده ایران، از فرمانروایان کنونی عراق میخواند که بیدرتک به این جنگ پایان بخشند.

حزب توده ایران، مانند گذشته، به بیکار جانیانانه حزب کمونیست عراق و دیگر مبارزان ضد امپریالیست، مترقی و ملی، علیه رژیم دیکتاتوری دارو دسته صدام حسین بدیده تحسین میگرد و بار دیگر همبستگی خود را با مبارزه دشوار آنان اعلام میدارد.

امید است که این همبستگی ها تا آنجا توسعه یابد که دیگر احزاب، جنبش ها، نیروهای میهنی و مخالفان مذهبی را نیز در برگیرد.

* حزب کمونیست عراق بار دیگر جنایت فرمانروایان عراق را در بر - افروختن جنگ تجاوزکارانه علیه جمهوری اسلامی ایران یادآور می شود و ضمن تأیید همبستگی خود با انقلاب ایران و حزب توده ایران، از فرمانروایان کنونی عراق می خواهد که بی درنگ به این جنگ پایان بخشند.

حزب کمونیست عراق معتقد است که بر خورداری خلق های گوناگون ایران از حقوق مشروع خود در چارچوب جمهوری اسلامی ایران، رزمندگی مردم ایران را تقویت می کند و ضمن پیگیری بر نقشه های امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی و دسیسه های دارو دسته صدام حسین علیه خلق های ایران، به ویژه علیه خلق کرد، خواهد بود.

حزب کمونیست عراق بار دیگر پشتیبانی خود را از همه کوشش هایی که برای حل مسالمت آمیز مسئله کرد و همخوان با منافع ایران و همه خلق های ایران، به عمل آید، ابراز می دارد.

نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از دادن اطلاعات جامع درباره روند انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران به رفقای عراقی، اعلام کردند که:

* انقلاب ۲۲ بهمن، که با شرکت توده های خلق و بهره بری امام خمینی، به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم و استبدادی محمد رضای پهلوی انجامید، ضربه ای سهمگین به یکی از بزرگترین سنگر های امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در منطقه وارد ساخت.

* امپریالیسم آمریکا، متحدان امپریالیستی و دستیاران ارتجاعی آن در منطقه، از نخستین لحظات پس از پیروزی ۲۲ بهمن کوشیدند، تا به یاری ضد انقلاب داخلی، انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران را بر - اندازند. تجاوز دارو دسته صدام حسین به ایران تازه ترین و بارزترین نمونه این توطئه بردازی هاست.

* پایه ای تعمیق انقلاب ایران، نبرد طبقاتی هرچه بیشتر حدت می یابد و بورژوازی لیبرال، که تنها برای مطالبه سهم بیشتر در چپاول زحمتکشان به مبارزه علیه رژیم شاه کشانده شد با دست دادن بی دربی بسیاری از مواضع سیاسی و اقتصادی خود، هرچه بیشتر از زرفش روند انقلاب به هراس افتاده است، به یار و یاور ضد انقلاب داخلی و خارجی تبدیل می گردد.

* پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن راتنها از راه تعمیق هرچه بیشتر ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی آن و مبارزه متحد همه نیروهای انقلابی خلق مسلمانان مبارز، دمکرات های انقلابی و نیروهای راستین چپ - می توان تضمین بخشید. * حزب توده ایران، مانند گذشته به بیکار جانیانانه حزب کمونیست عراق و دیگر مبارزان ضد امپریالیست، مترقی و ملی، علیه رژیم دیکتاتوری دارو - دسته صدام حسین به دیده تحسین می نگرد و بار دیگر همبستگی خود را با مبارزه دشوار آنان اعلام می دارد. * کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، در گستره مسائل بین المللی، به ویژه به مسائل منطقه و خاور میانه، پرداختند.

دو حزب، در زمینه جنگ ایران و عراق مفاد اعلامیه مشترک مورخ ۵۹/۷/۲۵ خود را بار دیگر مورد تأیید قرار دادند و یادآور شدند که:

تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق، که در چارچوب توطئه براندازی علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و جمهوری اسلامی ایران صورت می گیرد دنباله "منطقی" سیاست خصمانه ایست که دارو دسته صدام حسین، در دوران اوج گیری جنبش انقلابی و توده های مردم ایران علیه رژیم وابسته و خودگامه محمد رضای پهلوی، آغاز کرد و پس از پیروزی ۲۲ بهمن در ایران همواره شدت بخشید.

خصومت آشکارا تجاوزگرانه صدام حسین و دارو دسته اش علیه جمهوری اسلامی ایران هم چنین در چارچوب سیاست دیکتاتوری در داخل عراق و روش ترغفانه اندازانه در میان کشورهای عربی صورت می گیرد.

این تجاوز در واقع به منافع شرکت کنندگان در توطئه "کمپ دیوید" خدمت می کند که می خواهند انظار جهانیان را از مسئله اساسی، که در برابر جنبش آزادی بخش ملی عرب است، منحرف سازند. این مسئله عبارتست از آزاد ساختن سرزمین های عربی، کشورهای تجاوزکار صهیونیستی اشغال کرده اند، بازگرداندن حقوق مردم عرب فلسطین و تاسیس بازگشت آن ها به سرزمین های خویش و اعاده حقوق آن ها برای ایجاد یک دولت ملی و مستقل.

دارو دسته صدام، با تجاوز علیه ایران، خدمت آشکاری به امپریالیسم آمریکا کرده است که نیروی عظیم دریایی خود را در خلیج فارس مستقر کرده و در راه ایجاد دیمپان نظامی جدید، مرکب از ارتجاعی ترین رژیم های منطقه، کوشاست.

فزون بر این، در غرب پشتیبانی خود را از: * بیکار خلق های عرب علیه دسیسه - های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب، به ویژه قرارداد های "کمپ دیوید" و علیه رژیم های ارتجاعی و استبدادی منطقه و سیاست سرکوب، پیگرد، شکنج و توقیف و منع سازمان های توده ای دمکراتیک و احزاب سیاسی مترقی؛ * مواضع "جبهه پایداری در افشا" و عقیم گذاشتن توطئه های استعمارگرانه و تحکیم مناسبات میان حکومت های مترقی منطقه، به سود مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع؛ * مبارزه قهرمانانه مردم فلسطین علیه توطئه "خودمختاری"، سیاست

حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق:

* همکاری و همدستی ارتجاع عرب و ارتجاع منطقه، به ویژه مصر، عربستان سعودی، اردن، عمان و پاکستان را با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که در حقیقت همکاری با صهیونیسم بین المللی و رژیم جنایتکار اسرائیل است، محکوم می کند. هدف این ائتلاف عبارتست از ایجاد محورها و پیمان های سیاسی - نظامی ارتجاعی، مقابله با جنبش آزادی بخش عرب، ترغفانه فکری در صفوف آن و مبارزه با

دستاوردهای مترقی این جنبش. باید یادآور شد که عربستان سعودی همه منافع مالی خود را برای پیشبرد این هدف به کار انداخته است.

* ادامه اشغال سرزمین های عرب را از سوی اسرائیل و سیاست انضمام و ایجاد آبادی های جدید صهیونیستی را مردود می شمرد.

* کمک مالی، سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را به اسرائیل، که رژیم این کشور را به ادامه اشغال سرزمین های عرب و گسترش تجاوز علیه خلق های عرب تشویق می کند، محکوم می سازد.

* انزجار خود را از همکاری اقتصادی، سیاسی و اتنی اسرائیل با رژیم نژاد - پرست آفریقای جنوبی، به عنوان بخشی از سیاست این دو کشور مبنی بر سرکوب، استثمار و مقابله با جنبش های آزادی - بخش و انقلابی، ابراز می دارند.

* نفرت خود را از پشتیبانی رهبری کنونی چین از قرارداد "کمپ دیوید" که چیزی جز محصول دسیسه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب نیست، اعلام می کند.

* نقش رژیم ارتجاعی اردن را در دستیاری دیگر کشورهای ارتجاعی عرب و رژیم دارو دسته صدام حسین در جنگ با ایران، جلوگیری از توسعه و تحکیم وحدت ضد امپریالیستی اعراب، کار - شکنی برای "سازمان آزادی بخش فلسطین" و اجرای نقشه های امپریالیستی علیه جنبش آزادی بخش ملی عرب و نیروها و کشورهای ضد امپریالیستی منطقه محکوم می سازد.

* خشم خود را از سیاست سرکوب حقوق و آزادی های دمکراتیک در عربستان سعودی، مصر، بحرین، سودان، اردن، یمن شمالی، و مراکش ابراز می دارند.

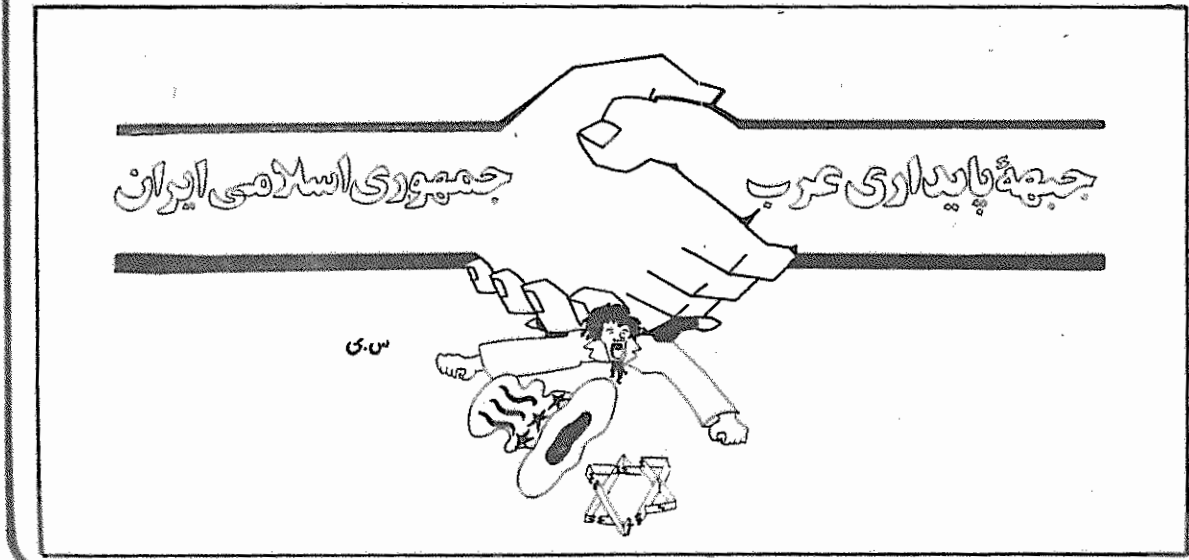
* به انقلاب مترقی افغانستان و مبارزه قهرمانانه خلق افغانستان برای دفاع از دستاوردهای خویش درودی - فرستند و، در این زمینه، انزجار خود را از تجاوزات، توطئه ها و مداخلات امپریالیسم جهانی، عمال و دستیاران آن و رهبری کنونی چین ابراز می دارند.

* پشتیبانی خود را از پیشنهادهای اتحاد شوروی در باره امنیت خلیج فارس، که رفیق برژنف در جریان سفر اخیر خود به هند اعلام کرد، ابراز می دارند و این پیشنهادها را به مثابه برنامه ای عملی، واقعی و پاسخگو منافع استقلال خلق های خلیج فارس و منطقه به شمار می آورند. دو حزب خواهان آنند که امپریالیسم آمریکا و متحدان آن از تمرکز نیروها و تشدید فعالیت های - نظامی خود در اقیانوس هند، دریای عرب و منطقه خلیج فارس دست بردارند.

در دیدار میان نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، که در محیطی صمیمانه و رفیقانه برگزار شد، دو حزب برادر در همه مسائل مورد بررسی و مذاکره تفاق نظر داشتند. طرفین توافق کردند که مناسبات و همکاری خود را بر پایه مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و به سود زحمتکشان دو کشور تعمیق بخشند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق



کارگران سنندج: خسته، زخمی و امیدوار!

مسئولین
به نامه «مردم»
پاسخ میدهند

اینکه تا رگران به مسئله خسارت اخراج آگاه می‌نشدند، خسارتی دریاقت نگرفته است. اداره کار می‌گوید: در صورتی که خود کارگران اخراجی شکایت کنند، می‌توانند اذعان حقوق و مزایای یکماهه را بعنوان خسارت دریافت دارند. این کارگران با مراجعه به اداره کار و طرح خواسته‌های قانونی خود می‌توانند در راه بدست آوردن حقوق قانونی نشان بکشند. برای نمونه هنگامی که "گروه مهندسی مشاور پارس" یک راننده و یک سراج را و یک ماشین نویسن را اخراج کرده، این سه نفر، بعد از مراجعه به اداره کار، توانستند خسارت اخراج را بشخص زیر دریافت کنند:

- ۱- به ازای هر سال خدمت دو ماه حقوق و مزایا،
- ۲- پاداش سالیانه،
- ۳- خواب و روح عاظمندی برداخت نشده قبلی،
- ۴- مرخصی هر ماه از سال یکروز

زندگی زحمتکشان منطقه است. از طریق ایجاد چنین مراکزی، علاوه بر کاهش بیکاری، می‌توان به رشد اقتصادی کردستان نیز یاری رساند. "مرکز گسترش صنایع" نیز تاکنون توانسته است کارهای مثبتی را صورت دهد، ولی با مشکلاتی روبرو است که با حل این مشکلات، کارهای بیشتری در جهت گسترش کارها برداشته خواهد شد.

در باره کارکنان شرکت‌های مسافری سنندج

در سنندج چند شرکت مسافری، از جمله ایران پیم، تپتی، ایران توریست و چند شرکت دیگر، اتوبوسها و مینی بوسهای مسیره‌رسان و سنندج را در اختیار دارند. صاحبان این شرکت‌ها اغلب با کارکنان خود رفتاری غیرانسانی و رابحه‌ای سودجویانه و غیر عادلانه دارند.

کارگران شرکت «آهودشت» سنندج چه می‌گویند؟

شرکت "آهودشت" سابقاً متعلق به "امیرانتظام" یا سوس سیاو سخنگوی دولت گام به گام بوده، این شرکت در سنندج کار ایجاد ساختمان برای کودکان عقب افتاده را در رژیم سابق به عهده گرفته و هنوز آنرا تمام نکرده است، یکی از کارگران این شرکت درباره وضع کار و زندگی خود می‌گوید:

"روزی ۳۵ تومان دستمزد می‌گیرم، بیمه هم نیست، ما به نیاز زندگی خیلی گران است و ما نمی‌توانیم آنرا با این حقوق کم‌تأمین کنیم. ما صاحب سابق شرکت آدم پست و کثیفی بود، (منظور امیرانتظام است) خون ما را می‌مکید، او در ادامه می‌گوید: "من طرفدار صلح در کردستان هستم و رژیم مدام مخالف من متفرم و حاضر می‌بشود بر و مویا آنا بجکم،"

شرایط خاص کردستان مشکلاتی را بوجود آورده، که بطور عمده گریبانگیر زحمتکشان شده است. کارگران کردستان، بخاطر محدودیت‌های بی‌شمار فعالیت ضد انقلاب در کردستان بوجود آمده، و اشتباهات و کارشکنیهای بعضی مسئولین در منطقه، در زمینه کار روتا مین مسایحیست زندگی خود را شرایط جانفرسای دست بگیریا نند، کارگران سنندج نیز با چنین مشکلاتی روبرو هستند و حل آنها را خواستارند.

حالا بین مشکلات تضمینی است برای رفاه حال زحمتکشان کردستان و حمایت آنها از جمع، اسلام آباد،

در باره وضع کارگران فصلی سنندج

اخراج کارگران فصلی در زمستان در حال حاضر به رویه‌ای مرسوم در شرکت‌ها می‌باشد که فصلی سنندج تبدیل شده است. اغلب این اخراج‌ها، بدون پرداخت حقوق قانونی کارگران صورت می‌گیرد. مثلاً شرکت ساختمانی "سیام"، واقع در خیابان وکیل سنندج، بدون تأمین بیمه کارگران، از آنها در روزده ساعت کار می‌کند و با شروع فصل زمستان، اکثر کارگران را اخراج می‌کند. بعضی از کارگران این شرکت، با داشتن ده سال سابقه کار، از هیچ مزایایی برخوردار نیستند، مدیران این شرکت آشنایان و افراد مورد اعتماد خود را به سرکارگری گمارده و از آنها برای ارباب و زور علیه کارگران استفاده می‌کنند و کارگران نیز از ترس اخراج شدن دم نمی‌زنند.

- ✦ کارگران کردستان بخاطر محدودیت‌هایی ناشی از فعالیت ضد انقلاب و اشتباهات و کارشکنیهای بعضی مسئولین در منطقه، شرایط سختی را برای کار و تأمین مایحتاج زندگی خود متحمل می‌شوند.
- ✦ با واگذاری حق خودمختاری (خودگردانی) به خلق کرد، می‌توان در جهت حفظ و تحکیم وحدت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشور گام‌های جدی برداشت.
- ✦ شرایط ویژه کردستان دست عناصر سودجو و فرصت طلب را برای غارت دسترنج زحمتکشان و فشار و زور علیه آنها باز گذاشته است.
- ✦ کارگران می‌گویند: تا متحد نشویم هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم.

۵- یکماه حقوق به آنها می‌دهد که طبق قرارداد، یکماه قبل از اخراج اطلاع حاصل نکرده‌اند، پرداخت شد. از همین رویه کارگران شرکت، بنا بر توصیه می‌شود که از حق قانونی خود استفاده کنند و از طریق اداره کار حقوقی دست داده خود را بدست آورند. خلق کرد در کنار دیگر خلقهای ایران در پیروزی انقلاب بزرگ میهنمان شرکت فعال داشته است. خلق کرد به همراه دیگر خلقهای ایران، علاوه بر راهی کشور از سلطه امپریالیسم و تأمین استقلال کشور، این انتظار را نیز داشته که پس از انقلاب از ستم ملی آزاد گردد. مشکلات موجود در کردستان نیز میراثی است از رژیم منفرور گذشته، که در آن ستم ملی اعمال می‌شد. با واگذاری حق خودمختاری (خودگردانی) به خلق کرد، از آنجا که نیروی تثبیت کننده و رده‌همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران بستگی به شرکت فعال و داوطلبانه، آزاد و کارای تمام خلقهای میهنمان دارد، می‌توان در جهت حفظ و تحکیم وحدت ملی و استقلال و تمامیت ارضی کشور گام‌های جدی برداشت. حفظ و تحکیم انقلاب و تضمین استقلال کشور در جهت تأمین منافع زحمتکشان خواهد بود و این ضرورت بیش روی مسئولین امرواست، تا با برداشتن موانع موجود، منافع زحمتکشان خلق کرد را تأمین کنند. در برتوان امکان انقلابی است که هم میهنان کردمان نیز در محدوده تأثیر قوانین جامعه ما قرار خواهند گرفت و ارگان‌های مسئول منطقه‌ای نظارت آکیدیبر امراجرای این قوانین، معمول خواهند داشت. لازمه این تحول انقلابی در هم شکستن ضد انقلاب در کردستان و تقویت مواضع جمهوری اسلامی ایران در آن خطه است. کارگران کردستان نیز برای رهایی خویش از یوغ امپریالیسم و غارت سرمایه‌داران بزرگ و زمینداران بزرگ راهی جز تقویت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و درهم شکستن دیسپله‌های ضد انقلاب نمی‌شوند.

صاحبان شرکت‌ها هنگام استخدام کردن راننده‌ها آشنایان خود را استخدام می‌کنند و اینکار اغلب با گرفتن رشوه همراه است. اخیراً در سنندج قرار شده است که به رانندگان دارای گواهینامه می‌باید یکم و واجد شرایط اتوبوسهایی به اقساط واگذار کنند، بعضی از صاحبان شرکتها از این موضوع بنبفع خود بهره‌برداری کرده و با پرداخت رشوه بعضی از رانندگان را وادار کرده‌اند که در ظاهر نام خود و در اصل برای شرکت اتوبوسها را خریداری کنند. در نتیجه امکانی که برای رانندگان در نظر گرفته شده، عملاً در اختیار صاحبان شرکتها قرار می‌گیرد. کارکنان بلیط فروش نیز روزی ۴۰ تومان دستمزد می‌گیرند و بیمه هم نیستند. یکی از کارکنان بلیط فروش یک شرکت مسافری بزرگ سنندج اظهار می‌کرد:

"من با وجود اینکه شغل پر مسئولیتی دارم و حتی یک دقیقه هم نمی‌توانم محل کارم را ترک کنم، روزی چهل تومان دستمزد می‌گیرم. بیمه هم نیستم و هیچ سندیکا و یا تشکیلات دیگری نیز ندارم که از حقوق ما دفاع کند. بنظر من کارگران تا متحد نشوند، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند."

توانین در برگیرنده تمام می‌کشور هستند و تمام آشنایان، نهادها و سازمانها ملزم به اجرای آنها، ولی متأسفانه گویی کردستان جدا از ایران است و قوانین در آنجا قابل اجرا نیستند. طبق قانون کار، حداقل دستمزد یک کارگر ساده ۶۲۵ ریال است و کارگاهها و کارخانه‌ها نیز باید کارگران خود را بیمه کنند، چیزی که در کمتر نقاطی از کردستان مشاهده می‌شود. این قوانین باید در کردستان به اجرا درآید، دستمزد کم و گرانی سرسام آورده است و زندگی شرایط سختی را برای کارگران منطقه بوجود آورده است و هر روز نیز بر شرایطی می‌شود و بدینوسیله دامنه زده می‌شود و زمین و وسیعتری برای فعالیت ضد انقلاب بوجود می‌آید.

مرکز گسترش صنایع

این مرکز تاکنون در سنندج کارهای سازنده‌ای انجام داده است. مرکز گسترش صنایع تاکنون طرح‌هایی از قبیل مرغذاری، گاو داری و کارگاه ساختن لوازم برقی را با شرکت دیپلمه‌های بیکار رها اجرا کرده است. در حال حاضر نیز در "مرکز فنی تریبیت نیروی انسانی" (کانون کارآموزی سابق) دیپلمه‌های بیکار تحت نظارت این مرکز مشغول آموزش‌های لازم هستند. ایجاد شرکت تعاونی تولید و توزیع نیز در برنما ماه این شرکت قرار دارد. کارکنان مرکز گسترش صنایع، ضمن اظهار خشنودی از اقدامات این مرکز، خواستارند که به وضع دستمزد بیمه آنها توجه بیشتری شود. کارکنان مرکز مشکلات عمده خود را بدین شرح اعلام کردند:

- ۱- نداشتن وسایل ایمنی کافی،
- ۲- کمبود وسایل کار،
- ۳- کمبود مواد، تا دکان ورزیده. ایجاد چنین مراکزی و گسترش آنها در کردستان، امری بجا و در راه تأمین رفاه

شرایط ویژه کردستان دست عناصر سودجو و فرصت طلب را برای غارت دسترنج زحمتکشان و فشار و رعب علیه آنها باز گذاشته است. این عناصر صریحاً قانونی زحمتکشان را پایمال می‌کنند، و به علت آنکه هیچ مرجعی در این مورد با قاطعیت برخورد نمی‌کند، بدون بیم و هراس به کار خود ادامه می‌دهند.

در باره بیمه کردن کارگران سخن بسیار گفته شده است. بیمه کردن کارگران امری ضروری است و این مهم در قانون کار تصریح شده و لازم است اجرا شود.

اخراج کارگران نیز بی دلیل و بدون پرداخت حقوق قانونی آنها صورت می‌گیرد. کارگران پس از اخراج شدن باید این تضمین را داشته باشند که در محل دیگری کار جدیدی را شروع کنند و در مدت بیکاری تمام حقوقشان را دریافت دارند.

استخدام کارگران نیز باید طبق ضوابط قانون کار صورت گیرد و کارخانه‌ها، کارگاهها و شرکتها ملزم به اجرای این قوانین هستند. از این طریق، یعنی با استخدام کارگران در کارگاهها، بدون هیچ ضابطه‌ای، این امکان نه کارفرماها داده می‌شود تا در موقع لزوم، پس از اخراج کارگران، مسئولیتی را در قبال این عمل خود به عهده نگیرند. با استخدام کارگران طبق ضوابط قانونی و با تهیه پرونده‌ای از سابقه کار کارگران این امکان به کارگران داده می‌شود تا حقوق قانونی خود را بدست آورند.

نام "مردم" ما، همانطور که پیش از این نوشتیم، گمان می‌کنیم که "انقلاب با پیدایش بدهد، حق با کیست؟ کارگر یا سرمایه‌دار؟" و قویاً معتقدیم که انقلاب جانب سرمایه‌داران را نخواهد گرفت. بالطبع از نهادهای مسئول نیز انتظاری جز این نداریم. طبق اظهار کارفرما "قطعاً برای انقلاب مستضعفین و جمهوری حاکمی زحمتکشان سند قانع کننده‌ای نیست." طبق اظهار کارفرمایان در نظام گذشته وضع (برای کی؟) بهتر بوده است تا حالا. ما امیدوار بودیم و هستیم که زبان مسئولین زبان زحمتکشان باشد، لاغیر.

اخراج کارگران فصلی سنندج

بعلاوه از فصل سرما، شرکت ساختمانی "آسال اولر" و شرکت "بنادر"، که در اسفالت ریزی راه سنندج- همدان فعالیت می‌کنند، کار خود را تعطیل کردند. شرکت "آسال اولر" بیش از یکصد کارگر را اخراج کرده و تمام حقوق و مزایای آنها را تا آخرین روز کار پرداخته است. این شرکت خسارت اخراج کارگران - به ازای هر سال سابقه - حقوق و مزایای یکماهه (طبق فرم اداره کار) را نیز پرداخت کرده است. اما شرکت بنادر، که صد کارگر را اخراج کرده، فقط حقوق و مزایای یکماهه را پرداخت کرده است.

از سوی شبکه شماره سه بهداری و بهزیستی مازندران (قائم‌شهر) در پاسخ به مطلب مندرج در شماره ۲۹ نامه "مردم" تحت عنوان "فکری بحال کارگران بیمه رستان نسا جی قائم شهر بکنید" نامه‌ای به مضمون زیر به دفتر روزنامه ارسال شده است:

"جهت آگاهی عموم به اطلاع می‌رساند که این شبکه با برخورد مسئولان‌های که به امر بهداشت و درمان اهالی بویژه کارگران زحمتکش دارد لزوماً به رفع نارسایی مذکور و موارد مشابه که اصولاً ناشی از کمبود پرسنل پزشکی می‌باشد، توجه کافی داشته و در این زمینه اقدامات لازم به منظور استخدام پزشک و اعزام به کارخانه بعمل آورده است."

نامه "مردم" - ضمن تشکر از توجه مسئولین بهداری و بهزیستی مازندران به امر بهداشت و درمان کارگران، یادآور می‌شویم که این نامه در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۴ به آدرس روزنامه ارسال شده و از آنجایی که دفتر نامه "مردم" در اختیار ما نیست، پس از گذشت شش ماه بدست ما رسیده است.

از سوی بازرسی و سرپرست اداره ارشد ملی استان سمنان در پاسخ به مطلب "انقلاب با پیدایش بدهد حق با کیست، کارگر یا سرمایه‌دار؟" مندرج در نامه "مردم" شماره ۲۶، نامه‌ای در تاریخ سی تیرماه سال جاری به دفتر روزنامه ارسال شده است. در این نامه آمده است:

۱- ظرفیت تولید روزانه کارخانه گچ سمنان ۱۰۰۰ تن است و رقم ۳۰۰۰ تن ظرفیت تولید روزانه غیر واقعی و کذب محض است.

۲- طبق اظهار کارفرما، زمین مورد نیاز برای تأسیس کارخانه گچ غنی سند محضری موجود از آقای مقدم خریداری شده و غصب زمین و تصرف عدوانی آن تکذیب گردید.

۳- با بررسی‌هایی که در محل کارخانه بعمل آمد، کارگران کارخانه نه تنها از مزایای کامل قانون کار برخوردارند، از کمک‌های بیشتری نیز استفاده می‌نمایند.

۴- کارفرما اظهار می‌دارد موسس این کارخانه نه فقط هیچگونه وابستگی به رژیم سابق و پادشاه مخلوع و سواوک منحله نداشته‌اند، بلکه عمری در راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران مبارزه کرده‌اند.

ویژه استان گیلان

مطالب و گزارشهای این صفحه مربوط است به مسائل روستائیان استان گیلان، که یکی از غنیترین مناطق کشورما از نظر کشاورزی است و در عین حال دارای مسائل عدیده دهقانی نیز هست. البته در یک صفحه روزنامه تنها میتوان گوشه‌ای از مسائل متعدد روستائی یک استان را منعکس کرد، تا کمکی باشد برای مسئولان متعددی که همراه با نهادهای انقلابی، به حل آنها میپردازند.

رشته سخن را به خود دهقانان گیلانی می‌سپاریم، تا خود آنها به بیان برخی از مسائل خویش بپردازند.

مشهدی خدانشناس، دهقان کم‌زمین، مراد دهقان سالخورده، وجی سعادت و کامل برار، که خوش‌نشین هستند، شالیکاران آبکنار، اهالی قراغ شیلان و چهل‌نصر و تره‌تنکده مارگیلان، دهقانان جنگل‌نشین و شتابه‌و دیگران، گفتنی‌هایی دارند، که با هم می‌خوانیم.

دهقانان گسکره:

«ما جان خود را در راه پیروزی و حفظ انقلاب فدا خواهیم کرد»

زمینهای اطراف رضوان شهر را به کشاورزان این مناطق واگذار کنید!

در زمان رژیم طاغوت شخصی به نام محمدحسین جواهری - دشتی، مقدار وسیعی از زمین - های اطراف رضوان شهر (سازان - سرا، جنگلیان، سنگام، اربزور) از دهقانان، که سالها برای آنها کار کرده بودند، گرفت. این فرد با کمک نمایندگان گیلان در مجلس منحل - ساخته تمام کشاورزان این مناطق را از زمینهای خودراند و خاک - سیم مطلق العنان این مناطق گردید.

بعد از پیروزی انقلاب، کشاورزان این مناطق به حق انتظار داشتند که بتوانند زمینهای از دست رفته خود را پس بگیرند. به همین جهت به جهاد سازندگی مراجعه کردند، لیکن با وجود اقدامات مکرر جهاد سازندگی، به دلیل کار - شکنی‌هایی که انجام شد، اقدامات آنها هنوز به حایب نرسیده و همچنین شورای ده تشکیل نشده است. زیرا عوامل مالک همچنان فعال هستند و مانع رسیدن حق به حقدار و تشکیل شورا شده‌اند. جواهر دشتی، بزرگ مالک این منطقه، اینک مالک ۲۵۰ هکتار زمین است، که ۱۵۰ هکتار آن، با وجود مناسب بودن برای کشت، بلا استفاده مانده است. پس اولاً زمینها غصبی است و مالک آنها را برور گرفته، ثانیاً مقدار زیادی از آنها کشت نمیشود و بنابراین می‌توان تکلیف اراضی را طبق بندهای الف و ب معین کرد.

به همین جهت دهقانان از مقامات مسئول مصرانه می‌طلبند که هرچه زودتر با اعزام هیئت هفت نفری به این مناطق و واگذاری زمینهای مذکور به کشاورزان هم به رشد تولید کمک کنند و هم دهقانان را بیش از پیش به انقلاب امیدوار سازند. دهقانان بی زمین و کم زمین میگویند:

"ما آماده هر تسوع همکاری برای بزرگداشت بردن زمینهایی که واگذار میشود، هستیم و میدانیم که از این راه به انقلاب خود خدمت میکنیم و می‌توانیم به دهقان شیطان بزرگ مشت محکمی بزنیم."

وجی سعادت می‌گوید: "من مدت ۲۵ سال چاروا داری (چاپار - داری) کردم و چون پولی که از این راه عاید می‌شد، کفاف مخارج زندگیم را نمی‌کرد، چندسال قبل تنها اسبم را فروختم و به شهر بدنسالی کار آمدم. کار دیگری هم بلد نبودم و اغلب به رامسر می‌رفتم و پرتقال می‌چیدم و مبلغ ناچیزی از این راه کسب می‌کردم. چندین ماه پیش به قائم شهر رفتم و در یک رستوران مشغول به کار شدم شبی که کیسه زباله را از این طرف خیابان به آن طرف می‌بردم، به علت تاریکی با ماشینی تعادف کردم و یک پایم شکست."

او آهی کشید و چنین ادامه داد: "در این مدت هیچکس حتی خانواده‌ام نیز از من خبر نداشت." یکی دیگر از دهقانان روستای گسکره گفت: "ما می‌دانیم که دولت چه مشکلاتی دارد. در گذشته طاغوت هر چه خواست بر سر ما آورد. اما حالا چشممان به انقلاب است. ما حاضریم جان خود را در راه انقلاب بدهیم و آنرا حفظ کنیم. او درباره جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران گفت: "آمریکا کور خوانده است. ما دمار از روزگار رژیم صدام، این نوکر آمریکا در میاوریم. ما می‌دانیم که همه بدبختی ما از آمریکا است."

روستای گسکره در ۱۴ کیلومتری جنوب فومن واقع است. این ده دارای ۱۵۵ خانوار و بیش از ۱۰۰۰ نفر جمعیت است. دهقانان این ده اغلب کم‌زمینند، گروهی نیز خوش‌نشین‌اند و گروه محدودی نیز به دامداری مشغولند. زمین‌های ده به علت واقع شدن در دامنه کوه چندان همسوار نیست و عموماً محصول برداشتی سالانه، ده کفاف خرج دهقانان را نمی‌دهد. زمین‌های این ده در پشت "کانال آب برفومن" واقع - اند و از آب این کانال بی‌بهره‌اند. تنها وسیله آبیاری این زمین‌ها، آب باران است که آنهم وضع ثابتی ندارد، لذا محصول برنج این روستائیان همواره در معرض خطر قرار دارد.

در روستای گسکره از حمام خیری نیست. این روستا فاقد درمانگاه، آب لوله کشی و برق است. به علت فقیدان مدرسه در این روستا، فرزندان دهقانان برای تحصیل به ده مجاور، ماکلوان و یا به فومن می‌روند. چون بر رودخانه ماسوله رودخان، که این دو ده را از هم جدا میکند پل وجود ندارد، رفت و آمد، بخصوص هنگام بارندگی، مشکلات زیادی را برای دانش - آموزان گسکره فرا هم کرده است. عده‌ای از دهقانان گسکره به محض اتمام کارهای زراعتی خود به شهرها روی می‌آورند و از جمله برای چیدن پرتقال به رامسر می‌روند. ولی در آنجا نیز مشکلاتی از قبیل نداشتن خانه و غیره دارند.

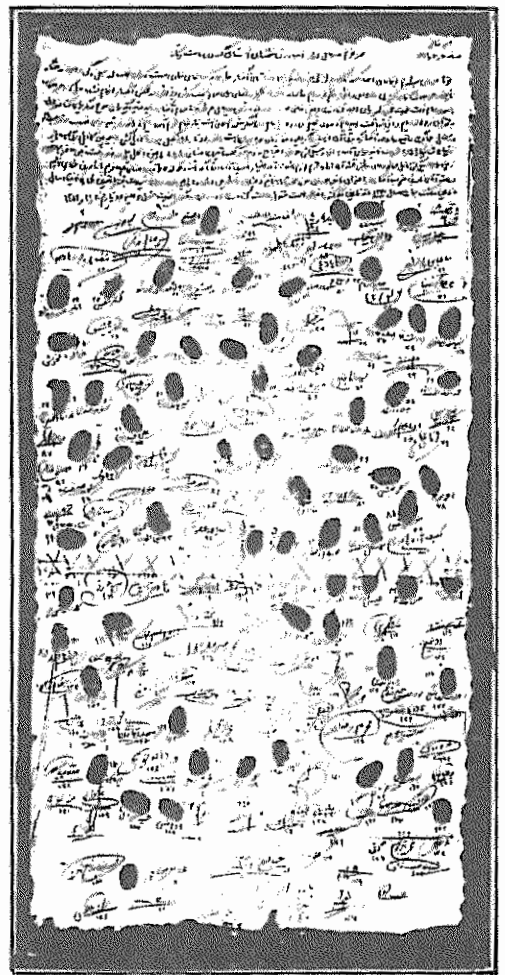
دهقانان می‌نویسند:

در زیر عین نامه زارعی - بن و شالیکاران روستای آبکنار - گیلان را کلیشه میکنیم. دهقانان در این نامه خواستار کمک برای نجات از سیل زدگی و احیاء زراعتگاه شده و در اجرای فرمان امام خمینی دأثر به احیاء کشاورزی، طلب نموده‌اند که موتور پمپ در کانال جهت نگیزی جهت آبیاری زمینهای شالیکاران نصب گردد. دهقانان می‌نویسند که حاضرند مجانا، هر قدر زمین و نیروی انسانی برای آبرسانی و مسیل کشی هوایی لازم باشد. در اختیار بگذارند و همکاری نمایند. دهقانان بیگانه نظر را هم به نمایندگی تعیین معرفی کرده‌اند. امید است اداره آب و برق منطقه - ای استان گیلان به خواست دهقانان و همکاری داوطلبانه آنها توجه لازم را مبذول دارد.

امید بی زمین‌ها و کم زمین‌های روستای «آبرود» - فومن

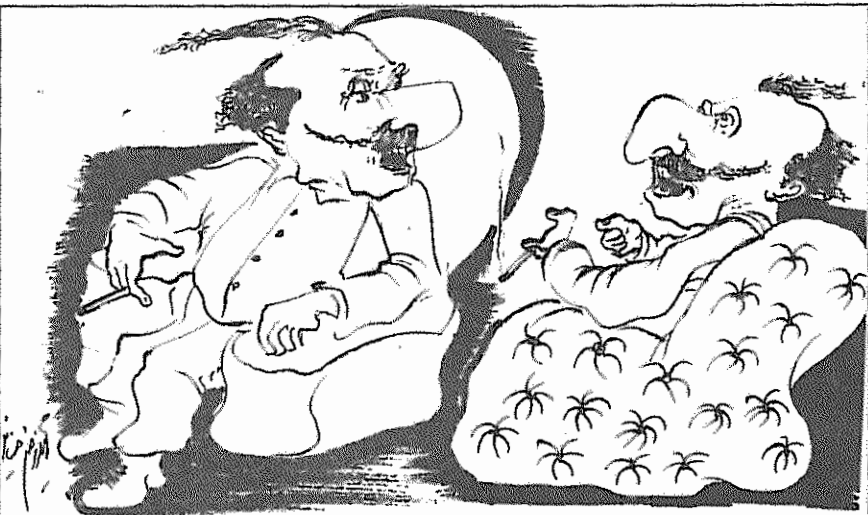
روستای آبرود در منطقه کوهستان جنوب فومن واقع شده (۲۵۰ خانوار - سه هزار نفر) و ۱۶۰ کیلومتر با این شهرستان فاصله دارد. اغلب کشاورزان این روستا خرده‌پا و کم‌زمین هستند. محصول عمده این ده برنج است، که متأسفانه کشاورزان برای کشت آن از ابتدائیترین وسایل استفاده می‌کنند. بعضی از روستائیان نیز به پرورش کرم ابریشم و دامپروری اشتغال دارند. آبرود فاقد آب، برق، حمام و درمانگاه است، ولی مدرسه دارد و جاده اصلی آن اخیراً توسط جهاد سازندگی ساخته شده است. مشهدی خدانشناس یکی از دهقانان کم - زمین در مورد مشکلات موجود در ده می‌گوید: "تاکنون بسیج به ده ما نیامده است، اما من به اندازه خودم کمک کرده‌ام. باعث آبرود آمریکا است." مراد دهقان بیرده، در مورد نبودن شورا می‌گوید:

"از ده ما تا روستای مجاور، که شعبه تعاونی دارد، فاصله زیادی است. با این پیروی و مریضی من باید ساعتها در صف بمانم، تا قند و شکر بگیرم. شورا که ندارد، ما را بیامان



جنگلها را دریابید

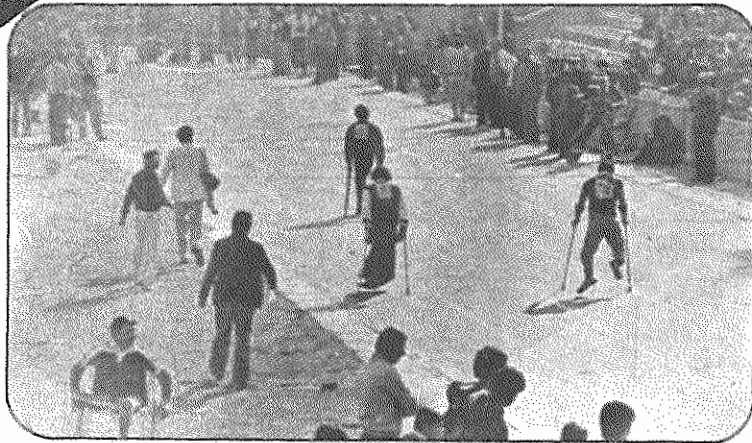
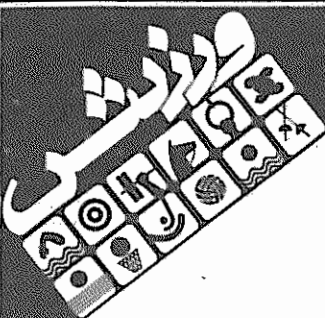
اهالی ده "ویشگاه" و روستائیان نزدیک "هفت خانان" به مقامات مسئول و نهادهای انقلابی و جراید اطلاع داده‌اند که گروهی از افراد به یک عمل ضد - انقلابی غیر قابل اغماض دست زده‌اند، یعنی مشغول بریدن درختان در جنگل منابع طبیعی گیلان بنام "هفت - خانان" هستند. این قسمت از بر بارتترین و گرانبهارترین قسمت‌های جنگل استان گیلان است و عده‌ای به خیال خودار وضع کونی می‌خواهند سو استفاده کنند و غارتگرانه جان درختان افتاده‌اند.



بزرگ مالک اول: شب چهار دیوئی را گوش میکنی؟ بزرگ مالک دوم: رادیو اسرائیل، آمریکا، بی.بی.سی، بختیار، اویسی بزرگ مالک اول: احسنت، منم همینطور. تو از چی چیش بیشتر خوشت میاد؟ بزرگ مالک دوم: از اینکه هیچکدوم از این رادیوها نمی‌گه، اصلاحات ارضی چیز خوبییه!

در حاشیه برگزاری مسابقات مجروحان جنگ و جام خونین شهر در امجدیه تهران

ورزش در خدمت انقلاب و رزمندگی مردم



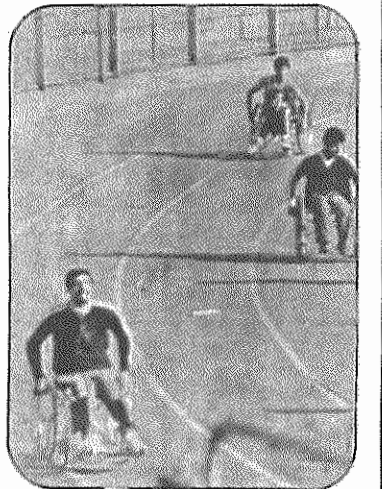
«شور و رزمندگی مجروحان بی نظیر بود»

در روز جمعه ۱۹/۱۰/۵۹، مجموعه مسابقات و نمایش‌های ورزشی در امجدیه تهران، در تجلیل از شهید او مجروحان جنگ میهنی انجام شد. این برنامه که به جام «خونین شهر» مشهور شده است هم چنان که از نام آن برمی آید، می‌بایست مضمون عمده سیاسی داشته و برگزاری آن، گامی در جهت تقویت جبهه جنگ و استحکام پشت جبهه باشد. با این شرط و معیار اساسی بود که توده ورزش دوست، مسئولین و بازیکنان تیم‌های معلولین، نابینایان، آزارات، هم‌تیم‌های ورزشی رزمی و سرپرستان سازمان تربیت بدنی با برگزاری جام موافقت کردند.

ما هم معتقدیم، اکنون که میهن ما درگیر جنگ تحمیلی و دام‌گستری امپریالیسم آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است، انجام هر عملی، زمانی مقبول است که تابع شعار «همه چیز برای جبهه - همه چیز برای پیروزی» باشد. در مورد آنچه که چندی پیش در امجدیه برگزار شد هم باید گفت که، در مجموع خود، یعنی با وجود نقاط ضعفی که در پایین برمی‌شمریم، حرکتی مثبت و در جهت شعار فوق بود.

جای تبلیغات انقلابی خالی بود!

«جام» و هر مسابقه و نمایش ورزشی دیگر در شرایط کنونی - وظیفه دارد که نیروی توده وسیع ورزش دوست و به ویژه آن‌هایی را که به محل برگزاری



مسابقه معلولین

مسابقات می‌آید، درست «خونین - شهر» بسیج کند، روحیه و شور انقلابی جامعه را تقویت کند، نمایشی از قدرت اتحاد و تشکل میلیونی مردم باشد و ورزش را به عنوان بخش زیست‌مندی از جامعه عرضه کند و حیات فعال و انقلابی آن را نشان دهد.

نخستین مسئله‌ای که به عنوان یکی از ضعف‌های این مراسم قبل از آغاز مسابقات به چشم می‌خورد، خالی بودن جای تبلیغات انقلابی و بسیج‌کننده ورزش دوستان بود. قبل از آغاز مراسم جمعیت انبوهی جلوی در و نرده‌های امجدیه گرد آمده بودند. اگر رهگذری عادی از کنار این جمعیت گذرمی‌کرد، چنین گمان می‌کرد که مراسمی هم چون مراسم دیگر ورزشی برگزار خواهد شد و نمی‌توانست بی‌ببرد که در آن روز قرار است نمایشی ورزشی - سیاسی انجام شود. چه بهتر بود اگر بر در و دیوار ورزشگاه، شعارهای تهبیجی و انقلابی نصب می‌شد، نمایشگاه عکس و پوستر و بریده‌ها را دید و روزنامه دیواری ورزشی با مضمون انقلابی برگزار می‌شد و از بلندگوها سرود انقلابی به گوش می‌رسید و مسئولین درباره وضع کنونی ورزش کشور و شیوه‌های سازماندهی مردمی آن توضیح می‌دادند.

روحیه عالی معلولین و نابینایان قهرمان

مراسم آغاز می‌شود. نخست برنامه

نمایش‌های پیش از مسابقه فوتبال احرا می‌گردد: ورزش‌های رزمی، مسابقه ورزش مجروحان و نابینایان.

ورزش‌دوستانی که بر روی سکوهای امجدیه نشسته‌اند، مخصوصاً به ورزش معلولین توجه خاصی نشان می‌دهند. مسابقه «بلجرانی» امدادی آغاز می‌گردد. نغری که تا حال اول بوده، به ناگهان در میانه راه خوب مسابقه از دستش می‌افتد. تماشاگران هیچ‌ان زده می‌شوند، نگر بعدی جلو می‌افتد و مسابقه را می‌برد. تماشاگران برای هر دو ورزشکار ابراز احساسات می‌کنند.

مسابقه دو نابینایان اعلام می‌شود. هنوز عده‌ای از خود می‌پرسند: چگونه عده‌ای نابینا می‌توانند بدوند؟ عده‌ای می‌گویند: لابد کلکی در کار است! عده‌ای دیگر خوشبین‌ترند و معتقدند که ورزش عرصه‌ای است که به مجروحین و نابینایان امکان داده است، تا استعدادهای خود را بروز دهند و زیست‌مندی بر تحرک خود را به تمام مردم بنمایانند. و غیر از این هم نیست، زیرا روحیه نابینایان و ورزشکاران نیز هم چون معلولین ورزشکار عالی است، و همان است که جمعیت رابه شور و هیجان می‌آورد. مسابقات معلولین و نابینایان قهرمان پایان می‌یابد. در حالی که سرپرستان، ورزشکاران را در آغوش می‌گیرند و تماشاگران برای یک ورزشکار ابراز احساسات می‌کنند. همکار عکاس ما از داخل دوربین منظره‌ای را نشانمان می‌دهد که متاثر - کننده است: ورزشکاران لباس مرتب و متحدالشکل ندارند. حقتش بود که ورزشکاران معلول و نابینا نیز همچون دیگر ورزشکاران از امکانات کافی برای ورزش و انجام مسابقات ورزشی برخوردار می‌شدند.

مسابقه فوتبال آزارات، هما

مسابقه فوتبال آزارات - هما آغاز می‌شود. تماشاگران با فریادهای «هم آزارات - هم هما» بازیکنان هر دو تیم را تشویق می‌کنند. چنین روحیه‌ای تحسین برانگیز است و نشان می‌دهد که اکثریت مشتاقان فوتبال، مسابقه را برای مضمون آن پذیرفته‌اند، نه صرف نتیجه «گل‌شماری» آن. چنین روحیه‌ای را در مقابل رختکن ورزشکاران نیز می‌بینیم و خوشحال می‌شویم: آنجا وسایل انتقال خون گذاشته‌اند و کمک‌های جنسی ورزش دوستان به جنگ‌زدگان را جمع‌آوری می‌کنند.

بایکی از تماشاگران، که بخشی از وجود خود - خون را - نثار جبهه جنگ و رزمندگان آن می‌کند، صحبت می‌کنیم. مجید شیرزاد، از ۲۲ سال سابقه فوتبال و دومیدانی برخوردار است و نسبت به تیم خاصی هواداری پروپاقرصی دارد. کسی که بعداً معلوم می‌شود از تیم رقیب است، وسط صحبت ما می‌دود و حرف‌هایی می‌زند که بدون شک اگر این اتفاق در یک روز عادی مسابقه فوتبال رخ می‌داد، کار به جر و بحث‌های کش‌دار و بی‌سورد

می‌کشید. اما مجید شیرزاد - که عمری را در ورزشگاه‌ها و جروب‌های ورزشی گذرانده، قضیه را این‌گونه فیصله می‌دهد: «دوره این صحبت‌ها تمام شده، الان وقت آن است که یکرنگی خودمان را به تمام دنیا نشان بدهیم. ما تماشاگران فوتبال باید به مسئولین نشان بدهیم که ظرفیت انجام مسابقه در این شرایط را داریم.»

شیرزاد عقیده دارد که: «ورزش را باید حتی در سنگر جنگ هم ترک نکرد، مگر اینکه به وضعیت جنگی لطمه‌ای وارد بکند.» مسابقه جریان دارد. اما تماشاگران به مسابقه توجه چندانی ندارند و خود را به بحث درباره سرنوشت ورزش کشور مشغول کرده‌اند. عده‌ای که ورزش را برای ورزش می‌خواهند - عقیده دارند که «فاتحه» ورزش خوانده شده است. اما عده دیگری - که اهمیت ورزش را در تاثیر اجتماعی آن می‌دانند - معتقدند که ورزش باید خود را با شرایط کنونی وفق دهد و امیدوارترند. متأسفانه تعداد افراد گروه اول بیشتر است و این نشان می‌دهد که کار توضیحی بین ورزش دوستان چندان جدی گرفته نشده است.

ورزش باید در خدمت رزمندگی مردم باشد باید گفت که، مسلماً ورزش در شرایط جنگ نمی‌تواند آن سیستم مسابقه‌ای را حفظ کند، که هر هفته مسابقه باشد. اما بخاطر حفظ روحیه مردم و همچنین خارج کردن ورزش از حالت رکود و

در جهان سوسیالیسم

بودجه بهبود محیط زیست در اتحاد شوروی

پنجسال اخیر پنجاه درصد افزایش یافت در سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵، یعنی در دوران دهمین برنامه پنجساله اتحاد شوروی، حجم خرده‌فروشی ۲۴ درصد و خدمات ۴۳ درصد افزایش یافت. در این مدت ۸۷/۲ هزار میلیون روبل در خانه سازی سرمایه‌گذاری شد. خانه‌های جدیدی، که در این سالها احداث گشت، ۵۳۰ میلیون مترمربع رانرا میگیرند. در حدود ۸۰ درصد سکنه روستایی اتحاد شوروی دارای خانه خصوصی است. در سالهای ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵، ۱۲/۵۰۱ میلیون نفر مدارس حرفه‌ای را بپایان رسانیدند. این شمار برای مدارس تخصصی متوسطه و عالی ۱۰ میلیون بود. شماره‌پزشکان اتحاد شوروی از ۸۲۴۰۰۰ در سال ۱۳۵۴ به یک میلیون در سال ۱۳۵۹ رسید. در همین مدت نسبت تختخواب بیمارستان از ۱۱۸ در ده هزاره ۱۲۵ در ده هزار رسید. هزینه بهبود محیط زیست در این سالها ۵۰ درصد افزایش یافت.

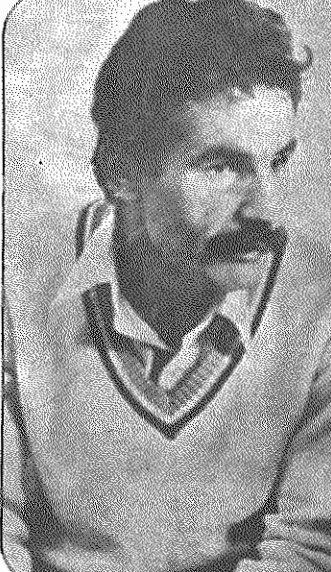
در جهان سرمایه‌داری

در ایالات متحده آمریکا یک معاینه ساده ۱۵۰ دلار خرج برمی‌دارد

از جمله ویژگی‌های بهداشتی و بهزیستی ایالات متحده آمریکا عبارتست از کمبود پرستار، پزشک و یکرنگ روزانه هزینه سنگین بیمارستان و درمان. به نوشته روزنامه «نیویورک تایمز»، در شهرک های ایالت تکزاس، هر ۵۰۰۰ نفر آمریکا تنها از ۴ پزشک بهره‌مند می‌شوند. حتی در نیویورک، در محلات هارلم و بروکس‌هر ۳۵۰۰ نفر فقط یک پزشک در اختیار دارند. مخارج درمان و اقامت در بیمارستان در ایالات متحده آمریکا واقعاً سرسام‌آور است. یک معاینه ساده ۱۵۰ دلار خرج برمی‌دارد و برای یک روز اقامت در بیمارستان بدون هیچگونه درمان، ۲۶۰ - ۲۰۰ دلار باید پرداخت. بسیاری از پزشکان آمریکا، در شغل خود چیزی جز تجارت و سودجویی نمی‌بینند و چنانچه پزشک در معالجه بیماری برای خود نفعی نبیند، چه بسا که بی‌بهره‌ها را به اتاق عمل بفرستد. از سوی دیگر، بسیاری از بیماران، که با یدفوری عمل جراحی شوند، به علت عدم توانایی مالی، یا به‌هکاری قبلی، پشت درناق عمل می‌مانند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

نتایج مثبت و ارزشمند این مراسم بود. احمد سنجری، بازیکن «هما» هم می‌گوید: «بازی خوبی بود، یک کار خوب و انسانی. هم از نظر کمکی که به خانوادها و هم از نظر تحریکی که به ورزش می‌دهد و هم از نظر تقویت روحیه انقلابی مردم.» آنچه از سخنان ورزشکاران و ورزش‌دوستان برمی‌آید این است که، همگی تنها و تنها به شرطی با انجام مسابقات ورزشی موافقت، که درست «همه چیز برای جبهه، همه چیز برای پیروزی» باشد. ما هم این معیار را اصل و مردمی می‌دانیم، ولی معتقدیم که انجام مسابقات در این جهت، تنها بخشی از برنامه‌های درازمدت و کوتاه مدتی است که می‌بایست برای نوسازی و مردمی کردن ورزش انجام شود. مسئولین ورزش کشور نباید فراموش کنند که برخی اقدامات و حرکات مثبت نباید همه برنامه نوسازی انقلابی ورزش را تشکیل دهد، بلکه امروز لازم است که اقدامات اساسی در جهت مردمی کردن ورزش و ارتقاء آموزش‌های ورزشی و توجه به ورزش‌های رزمی - توده‌ای انجام گیرد، تا بتوان گفت نوسازی ورزش آغاز شده است.



سیدعلی سجادی بازیکن «هما»: «ورزش باید در خدمت رزمندگی مردم باشد»

باید گفت که، مسلماً ورزش در شرایط جنگ نمی‌تواند آن سیستم مسابقه‌ای را حفظ کند، که هر هفته مسابقه باشد. اما بخاطر حفظ روحیه مردم و همچنین خارج کردن ورزش از حالت رکود و

روابط ما با...

بقیه از صفحه ۱

مبارزه را با دیدهای تاید آمیز دنبال می‌کنند. شگفت‌انگیز نیست که بسیاری از خلقهای جهان، انقلاب ایران را انقلاب خود می‌شمرند.

«نبروهای امپریالیستی بارها تلاش کرده‌اند که میان خلقهای دو کشور ما بذر نزاع بیاشانند. امروزه باید بسی خرسند بود که واقیعت‌یوسودگی این تلاش‌های امپریالیست‌ها را بثبوت‌رسانیده‌است. ما همواره روشی دوستانه در برابر انقلاب ایران داشته‌ایم و اینک نیز پیوندهای صمیمانه خویش را با این انقلاب ابراز می‌داریم. شما در آستانه روزی بزرگ و تاریخی، یعنی دومین سالگرد انقلاب ایران، به کشور ما آمده‌اید. ما این جشن را به مردم کشور دوست خود، ایران، شادباش می‌گوییم. پشتیبانی ما از انقلاب ایران همیشگی است.»

شرکت هیئت نمایندگی ایران در گردهمایی «کاخ دوستی»

هیئت نمایندگی ایران روز ۲۳ بهمن ۵۹ در گردهمایی، که یافتار اعضای آن، از سوی «انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران» در «کاخ دوستی با خلقهای کشورهای خارجی» برگزار شد، شرکت کرد. (یادآور می‌کردیم که این مکان بارها شاهد گردهمایی‌های تاریخی در همبستگی با مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران و انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن بوده است). در این گردهمایی همچنین گروه کثیری از ایران‌شناسان، شخصیت‌های برجسته و نمایندگان رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی شرکت داشتند. حضار با گفتارهای شورانگیز از هیئت نمایندگی ایران، به ریاست آقای جلال‌الدین فارسی، استقبال کردند.

سپس یوگنی ایوانوف، معاون اول ریاست «انجمن‌های دوستی و روابط فرهنگی شوروی با کشورهای خارجی» در سخنان گشایشی خود گفت:

«ما با مسرت و خوشبختی فراوان به میهمانان خود خوش آمد می‌گوییم.»

وی افزود: «محافل اجتماعی شوروی بیدرتک از انقلاب ضدامپریالیستی و ضدسلطنتی ایران به پشتیبانی برخاستند و انجمن ما در همه‌فالیتهای خود کوشید تا مردم شوروی را با سرشت راستین دگرگوئیهای پس از انقلاب ایران آشنا سازد.»

پرفسور یوگنی ایوانوف سخنان خود را چنین پایان داد: «ما احساسات دوستانه و برادرانه خود را به مردم کشور همسایه‌مان، ایران، ابراز می‌داریم و امیدواریم که همکاری میان دو کشور در همه‌زمینه‌ها گسترش یابد و بگونه‌ای موثر و ثمربخش به هدف تحکیم پایه‌های صلح و امنیت خلقهای جهان کمک رساند.»

رشته‌های دیرین دوستی، خلق‌های ایران و شوروی را با یکدیگر پیوند میدهد

آنکاه، پرفسور یوگنی سرگیف، رئیس «انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران»، رشته سخن را بدست گرفت و گفت:

«اتحاد شوروی، که همواره به اصول دمکراسی و همبستگی انقلابی وفادار بوده است، بلافاصله پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشت. دولت شوروی از جمله نخستین دولتهایی بود که جمهوری اسلامی ایران را برسمیت شناختند. رشته‌های دیرین دوستی، که ولادیمیر ایلیچ لنین، پیشوای پرولتاریای جهان، بنیانگذار نخستین دولت سوسیالیستی و دوست‌ستبرگ خلقهای خاورزمین، از جمله مینکرین آن بود، خلقهای شوروی و ایران را با یکدیگر پیوند می‌دهد. از آن زمان بیش از ۶۰ سال گذشته‌است، ولی اتحاد شوروی پیوسته مناسبات خود را با ایران بر پایه اصول لنینی سیاست خارجی خویش، یعنی برابری، عدم مداخله در امور یکدیگر و همکاری متقابل سودمند بنا نهاده است.»

پرفسور یوگنی سرگیف افزود:

«ما همواره طرفدار توسعه مناسبات مودت‌آمیز با همه کشورهای، صرفنظر از نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها بوده و هستیم. این واقعیت یویژه در مورد کشور همسایه ما، ایران، صدق میکند.»

در روز ۲۳ بهمن ۵۹ همچنین کنفرانس مطبوعاتی با شرکت اعضای هیئت نمایندگی ایران در مقر سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسکو تشکیل شد. در این کنفرانس مطبوعاتی، آقای جلال‌الدین فارسی حاضران را با هدفهای انقلاب ۲۲ بهمن آشنا ساخت و آنرا، در درجه نخست، انقلابی ضدسلطنتی و ضدامپریالیستی توصیف کرد.

جلال‌الدین فارسی: هدف ما معرفی انقلاب اسلامی و مطالعه تجربه انقلاب اکتبر است

آقای جلال‌الدین فارسی در پاسخ سئوالی درباره سفر هیئت نمایندگی ایران گفت:

«هدف ما معرفی انقلاب اسلامی است به ملل اتحاد شوروی. ما همچنین میخواهیم از نزدیک با تجربه انقلاب اکتبر آشنا شویم، پدیده‌های جامعه سوسیالیستی را مطالعه کنیم و یک انقلاب‌شناسی تطبیقی - مقایسه‌ای انجام دهیم.»

آقای جلال‌الدین فارسی افزود: «ما با بسیاری از جمهوریهای آسیای میانه تاریخ مشترک و دیرینه داریم.»

آقای جلال‌الدین فارسی اظهار داشت: «اینک که روابط ما با دولت اتحاد شوروی بیش از پیش صمیمانه شده است، از فرصت استفاده کردیم برای تبادل نظر، دیدار با مردم و شخصیت‌های از مردم برخاسته و همکاریهای فرهنگی بیشتر.» سفر هیئت‌نماینده ایران به اتحاد شوروی همچنان ادامه دارد.

ضدانقلاب و لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی شهرستان اقلید را به آشوب کشیده‌اند

شهر را به هرج و مرج و تعطیل کشاندند.

در کنار این اعمال، که برای ایجاد درگیری در شهر انجام می‌شود، باید از توطئه تجار بزرگ شهر نیز، که نقش مهمی در ناراضی‌تراشی و کمک به ضدانقلاب دارند، نام ببریم. این تجار با احتکار کالاها و اساسی مورد نیاز مردم، از قبیل برنج، روغن، قند، شکر و غیره باعث کمبود کالاها و بالا رفتن قیمت آنان می‌شود. علاوه بر این، دلالت بزرگ، با خرید محصولات کشاورزی از دهقانان به قیمت بسیار نازل، به ناراضی‌کنش کشاورزان دامن می‌زنند.

تمامی این توطئه‌ها و دسائیس را که بطور مشخص از سوی عوامل ضدانقلاب و لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی طرح‌ریزی و انجام می‌شود، از سوی و کم‌کاری و عدم قاطعیت نهادهای انقلابی از سوی دیگر، باعث شده‌اند که وضع شهر متشنج شود و عوامل ضدانقلاب برای انجام نیات شوم خود محیط مناسبی بیابند.

مسئولین نهادهای انقلابی و بخصوص سپاه پاسداران انقلاب باید با مبارزه جدی با محترکان، دلالت و عوامل ضدانقلاب و با برخوردی جدی با توطئه‌های لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی اجازه ندهند که ضدانقلاب به نیات شوم خود در زمینه‌سازی برای اجرای توطئه‌های آمریکائی چنانیکار دست یابند.

مسئولان شهرستان اقلید همچنین باید با اقدام سریع برای رفع مشکلات زندگی مردم و استفاده همه‌جانبه از نیروی مردم شهر برای مقابله با انواع توطئه‌های ضدانقلاب، هرگونه راه نفوذ تبلیغاتی ضدانقلاب و لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی را برای ناراضی‌تراشی سد کنند.

*برخورد قاطع و جدی نهادهای انقلابی با این عوامل، می‌تواند راه هرگونه هرج و مرج و آشوب در شهر را سد کند.

تشنج در اقلید روزبه‌روز دامنه‌دارتر میشود. عوامل ضدانقلاب، بخصوص طرفداران بختیار و خسروخان و نیز لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی که دل‌خونی از رشد و گسترش انقلاب دارند، دست‌به‌دست هم داده‌اند و با ایجاد کمبود مواد غذایی، به آشوب کشیدن محیط شهر و ایجاد هرج و مرج در امور زندگی مردم، ضربات جدی به انقلاب و جمهوری اسلامی وارد می‌آورند.

اینان همچنین تبلیغات دامنه‌داری را علیه انقلاب سازمان می‌دهند و بطور گسترده به ناراضی‌تراشی و مایوس‌کردن مردم از انقلاب می‌پردازند. آماج اصلی تبلیغات این مزدگان و ضدانقلابیون را نهادهای انقلابی شهر، بخصوص سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تشکیل می‌دهد. این عوامل، در ۲ ماه گذشته، چندین بار سعی کردند که با اعمال ضدانقلابی خود، در شهر درگیری و هرج و مرج بوجود آورند، که تنها هوشیاری نهادهای انقلابی، بخصوص مسئولین سپاه پاسداران انقلاب، مانع از اجرای نقشه شوم آنان گردید. از جمله روز ۲۰ آذرماه ۵۹ این عوامل، که متأسفانه هواداران «مجاهدین خلق» نیز با آنان همراه بودند، از انجام راه‌پیمائی نهادهای انقلابی و مردم شهر در حمایت از رهبر انقلاب امام خمینی و روحانیت مبارز پیروخط امام و درجهت محکوم کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و عمال ضدانقلاب جلوگیری کردند و علیه نهادهای انقلابی شعار دادند. عوامل ضدانقلاب و لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی، از روز ۲۶ آذر ۵۹ به‌بعد، نیز با تحریکات ضدانقلابی خود برخی از مدارس

لایحه قانونی...

بقیه از صفحه ۱

«قانون تشکیل جمعیت‌ها، انجمنها، احزاب و نظایر اینها

ماده یک: هر کسی و هر گروه می‌تواند جمعیت و انجمن‌سازمان و حزب یا هر نوع تشکیلات فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی دیگر تشکیل دهد، بی‌آنکه نیازی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد. ماده ۴: جمعیتها و انجمنها و سازمانها و احزاب و تشکیلات دیگر موضوع ماده یک این قانون، اگر بخواهند رسماً شخصیت حقوقی شناخته شوند، باید به ثبت برسند.

ماده ۳: موسس یا موسسین جمعیت، انجمن، سازمان، حزب و هرگونه تشکیلات دیگر موظفند تشکیل آنرا با معرفی کامل مسئول یا مسئولان، کتبا به دولت اطلاع دهند.

ماده ۴: تشکیلات موضوع این قانون باید از نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از هر نوع کار که نقض استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشوری باشد، خودداری کنند و در صورت ارتکاب، مرتکب مجازات و طبق مقررات تعقیب و مجازات میشود. ماده ۵: در صورتیکه دادگاه تشخیص دهد که فعالیت تشکیلاتی یک گروه منشاء تکرار تخلفات مذکور در ذیل ماده ۴ است، آنرا غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکند.

بی‌تردید می‌توان گفت که این لایحه قانونی، اگر به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران برسد و به مرحله عمل درآید، یکی از دستاوردهای مهم انقلاب ایران خواهد بود. این لایحه قانونی در صورتیکه تصویب شود و به مرحله اجرا درآید، امکان فعالیت آزاد نیروهای سیاسی وفادار به انقلاب را تأمین خواهد کرد و امکان تشریک مساعی کلیه گروههای پشتیبان انقلاب را در جهت حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، فراهم خواهد آورد. بیشک این لایحه قانونی در اساس خود شرایط لازم را دارد تا درخور انقلاب بزرگ

ایران و بیانگر نگرش درست آن نسبت به مساله برقدار و والای آزادی باشد.

اما طی دوسالیکه از پیروزی انقلاب ایران میگذرد، متأسفانه موانع، محدودیت‌ها و تضییقات بسیاری بر سر راه فعالیت احزاب، سازمانها و گروههای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است. حتی درست در همان زمان که این لایحه قانونی از طرف شورایی قضائی به تصویب میرسد و برای تصویب نهائی به قوه مقننه ارجاع میگردد، عوامل ناقض آن بسیارند. هم‌اکنون دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم، در تهران و دفاتر حزب و نامه مردم، در بسیاری از شهرستانها - که مورد هجوم اشخاص متفرقه قرار گرفته بودند - نزدیک هفت‌ماه است که در اختیار حزب ما قرار ندارند؛ در برخی از شهرستانها، افراد مسئول و غیر مسئول مانع توزیع نامه مردم میشوند و حتی در خوی یک توده‌های به «جرم» فروش روزنامه قانونی نامه مردم» به سه‌ماه زندان محکوم میشوند و اینجا و آنجا، تضییقات و محدودیتهای بر فعالیت انقلابی توده‌های اعمال میگردد. و همه اینها باز هم در زمانی صورت گرفته و میگیرد که مسئولان کشور: رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، رئیس دیوانعالی کشور، دادستان کل کشور، امام‌جمعه تهران، معاون سیاسی وزارت کشور و سرپرست شهرداری و... حمله به احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی و اشغال آنها را محکوم کرده‌اند.

ما یکبار دیگر می‌طلبیم که دفاتر حزب توده ایران و نامه مردم» به حزب ما بازگردانده شوند، از محدودیتهای و تضییقات در راه فعالیت قانونی و انقلابی اعضا و هواداران حزب ما جلوگیری شود. ما امیدواریم که لایحه قانونی مصوب شورایی قضائی هرچه سریعتر در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و عوامل ناقض آن نیز هرچه سریعتر مرتفع گردد.

حضور نظامی...

بقیه از صفحه ۱

جهان، طبق برنامه نظامی استراتژیکی آمریکا انجام می‌شود و هدفش برقراری کنترل نظامی آمریکا بر مناطق وسیعی در قاره‌های مختلف جهان است. تا پایان دهه اخیر، یعنی تا سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) شماره پایگاههای نظامی بزرگ آمریکا به ۴۲۹ و پایگاههای کوچک آن به ۲۲۹۲ در مناطق مختلف جهان رسید. همه این پایگاهها در حال حاضر گسترش می‌یابند و با اسلحه و تجهیزات جنگی مدرن تجهیز می‌شوند. متجاوز از یک چهارم کلیه نیروهای مسلح آمریکا در این پایگاهها و یا سرزمینهای کشورهای دیگر استقرار یافته‌اند. علاوه بر این، هر روز طرحهای جدیدی از جانب وزارت جنگ آمریکا برای افزایش این نیروها تهیه میشود و کاخ سفید روزارت دفاع آمریکا بارها اعلام کرده‌اند که این واحدها در مناطق مختلف جهان همچنان باقی خواهند ماند. به موازات این تدارکات جنگی پر دامنه به مقیاس جهانی و حضور نیروهای عظیم دریائی و هوائی و واحدهائی از «نیروهای واکنش سریع» در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، که مرکب از ۴ رزمناو، سه تاو هواپیما، یک ناو هلیکوپتر و چندین اسکادران از هواپیماهای بمب افکن و جنگنده و ۱۸۰۰ نفر از فتنکداران دریائی هستند، دولت آمریکا قصد دارد که از رژیمهای ضد خلقی و گوشه‌بفرمان خود در این منطقه، یک پیمان نظامی جدید تشکیل دهد که در این میان عربستان سعودی ابتکار جلب موافقت امارات عربی و دیگر رژیمهای ارتجاعی در این منطقه را برای سرهم‌بندی کردن چنین پیمانی بعهده گرفته است. تردیدی نیست که تمام فعالیت‌های نظامی و تدارکات جنگی آمریکا، که از همان دوران اوج گیری جنبش انقلابی مردم ایران آغاز گردیده و پس از پیروزی انقلاب، تشدید و گسترش یافته،

تهدیدی است جدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با هدف سرکوب انقلاب و براندازی نظام جمهوری اسلامی در مین ما. تجاوز نظامی ناقص در عملیات طیس، توطئه کودتای پایگاه‌نورزه و سرانجام تحمیل جنگ تجاوری دارودسته خائن صدام به جمهوری اسلامی ایران برزمینه همین تدارکات گسترده جنگی انجام گرفته است. این تدارکات جنگی در عین حال تهدیدی است علیه استقلال و امنیت همه کشورهای مستقل و ملی منطقه، بویژه کشورهای عضو جبهه پایداری و جمهوری دمکراتیک افغانستان، که علت آن هم کاملاً روشن است. پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، از انقلاب دمکراتیک در افغانستان و ایستادگی جبهه پایداری در برابر سیاست توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل و نقشه‌های تجاوری آمریکا، به‌عامل مهم تغییر تناسب روزافزون نیروها در این منطقه بزرگان امپریالیسم آمریکا و رژیمهای وابسته به آن در منطقه تبدیل شده و تأثیرات انقلابی این عامل، مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا را در این منطقه سخت متزلزل ساخته است. طبیعی است که امپریالیسم آمریکا نمی‌تواند با چنین وضعی سازگار باشد و تمام تلاش خود را - که میتواند با ماجراجوییهای خطرناک علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه همراه باشد - برای بازگرداندن روند حوادث پسودخودبکار خواهد برد.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

هشدار:

ضد انقلاب در کرمان، توطئه جدیدی ز اقدارک می بیند

اخبار رسیده از کرمان حاکیست که علیرغم شکست تلاش اخیر عمل امپریالیسم آمریکا در کرمان در جهت به آشوب کشیدن شهر، عوامل ضدانقلاب توطئه جدیدی را در همین جهت تدارک می بینند. در روزهای گذشته ضدانقلاب بطور گسترده ای فعالیت خود را در سطح شهر تشدید کرده است. عوامل ضد انقلاب با تشکیل هسته هائی به چاپ و پخش اعلامیه های تحریک آمیز و سراسر توهین به انقلاب و رهبری آن، اجرای نقشه جدید خود برای ایجاد آشوب و هرج و مرج در شهر را آغاز کرده است.

باید اضافه کرد که چاپ این اعلامیه ها، با کمک دو تن از کارکنان شرکت برق منطقه ای کرمان صورت می گیرد. علاوه بر این، تشدید فعالیت گروه های مائوئیستی - آمریکائی پیکار و رنجبران، طرفداران و عمال «بقای» و نیز لیبرالها در شهر، بیانگر ابعاد وسیع توطئه جدید ضد - انقلاب در کرمان است. همچنین باید، با کمال تاسف، به همکاری هواداران یکی از سازمانهای که می بایستی در جهت خلق عمل کند، اما عملاً دشمنان خلق را در کنار خود می یابد، با این طیف وسیع نیروهای ضدانقلاب اشاره کرد.

در رابطه با تمام این مطالب، توجه مقامات مسئول مملکتی و بخصوص مقامات اجرائی استان کرمان را به این توطئه جدید ضدانقلابی جلب می کنیم و از آنها و از همه عناصر صدیق و آنفابلی مصرانه می خواهیم که با قاطعیت به کشف و سرکوب شبکه وسیع ضدانقلاب در این شهر بپردازند.

تنها با قاطعیت و هوشیاری انقلابی است که می توان از موفقیت نقشه جدید عمل امپریالیسم آمریکا در به آشوب کشیدن شهر و ایجاد درگیری و تشنج در منطقه، جلوگیری کرد.

کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در بیانیه نهائی خواستار برچیده شدن کلیه پایگاههای خارجی از اقیانوس هند شد

کنفرانس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد با صدور بیانیه نهائی در دلی نو بکار خود پایان داد. بیانیه خواستار برچیده شدن کلیه پایگاه های خارجی از اقیانوس هند شد و معامله کمپ دیوید را پشندت محکوم کرد. در این بیانیه، کشورهای غربی بخطر حمایت از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی محکوم شدند و برقراری مجازات اقتصادی علیه این رژیم مورد حمایت قرار گرفت. کشورهای غیرمتعهد حمایت خود را از سازمان خلق آفریقای جنوبی (سواپو) اعلام کردند. بیانیه خواستار قطع مداخلات امپریالیستی در نیکاراگوئه، السالوادور و گرانادا و برچیده شدن پایگاه گوانتانامو شده است.

همچنین در بیانیه خواسته شده است که يك کنوانسیون جهانی برای جلوگیری از استخدام و فعالیت مزدوران منعقد شود (نظامیان اتباع يك کشور خارجی که بخدمت يك قدرت استعماری یا يك دولت ارتجاعی درمی آیند و در مقابل پول با نهضت های آزادی بخش می جنگند).

از سوی دیگر، دولت افغانستان با انتشار بیانیه ای، آن قسمت از بیانیه را که مربوط به افغانستان می شود، مداخله آشکار در امور داخلی این کشور خواند و گفت: بحث درباره باصطلاح مسئله افغانستان، از سوی چند کشور به کنفرانس تحمیل شده است.

دولت افغانستان اضافه کرده که این کشور با مداخله آشکار آمریکا، چین و پاکستان روبروست.

دولت افغانستان تاکید کرد که تنها راه حل و فصل مسائلی که پیرامون افغانستان بر وجود آمده، همانا مذاکره میان این کشور و همسایگان آن است.

در روزهای پایانی کنفرانس نیز وزرای خارجه شرکت کننده به توطئه های امپریالیسم حمله و آنرا اشتهاء کردند. مالیرکا وزیر خارجه کوبا در سخنرانی خود از جمله گفت:

«امپریالیسم آمریکا تلاش دارد جهان را به دوران جنگ سرد باز گرداند. امپریالیسم آمریکا می گوشت دور فزاینده مسابقه تسلیحاتی جدید را بر خلفها تحمیل کند.»

وی همچنین گفت: «افزایش ۴۲ میلیارد دلاری بودجه نظامی آمریکا را باید به عنوان قسمتی از طرح های فزاینده امپریالیسم آمریکا در جهت تقویت توان نظامی خود در نظر گرفت. دولت

به اصول حفاظت از جاده ها رسیدگی کنید

ضربه آنها به جاده ها بیشتر می شود و باعث خراب شدن سریع پلها و جاده ها میگردد. به همین جهت است که اصولاً در اروپا به کامیونهای با چرخ ۴۴ اجازه کار نمی دهند.

متأسفانه در ایران به علت سیاست ضد خلقی رژیم پهلوی و منافع استثمارگرانه سرمایه - گذاران بزرگ، ساخت این نوع کامیون در ایران رواج یافت، بطوریکه اکنون کارخانه «موتاز خاور» سه نوع کامیون را با مارک بنز در ایران موتاز می کند: ۱۹۴۱ (بساری)، ۱۹۴۴

در شرایط حساس کنونی، سیستم صحیح ارتباطی و حمل و نقل، لازمه توزیع سریع کالاها و ضروری مردم در سراسر کشور است. یکی از مشکلات و موانع حمل و نقل سریع در ایران، فقدان جاده های مناسب است.

گزارش خبرنگار ما در این زمینه حاکیست که:

«کامیونهای با چرخ ۴۴، به علت اینکه سنگینترند و محورهای زیادتری دارند و اتاق آنها از سطح جاده بسیار بالاست، حالت اهرمی زیادتر دارند. در نتیجه

(ترلی) و ۴۴۴ (۱۰ چرخ). کلیه این کامیونها با چرخهای ۴۴ بدون در نظر گرفتن اصول حفاظت از جاده ها، ساخته می شوند. به همین علت، اغلب جاده های ایران کم دوام اند، ناهمواری های فراوان دارند و با وجود زیرسازیهایی پرخرج، هر سال احتیاج به تعمیر پیدا میکنند.»

رسمتولین امر وزارت راه است که به منظور حفاظت از جاده ها و سرمایه گذارهای مملکت، نظارتی بر تولید این نوع کامیونها ونحوه کار آنها در جاده ها داشته باشند.



دانشمند شوروی سیاست نو استعماری امپریالیسم در مورد نفت را تشریح کرد

روین آندراسیان کارشناس نفتی برجسته شوروی در مقاله مهمی در نشریه «تصویر جدید» اعلام کرد:

«تحلیل سیاست انحصارات نفتی دولتهای غربی در برابر کشورهای خاورمیانه ثابت می کند که نو استعمار نفتی، نه تنها از میان نرفته، بلکه برعکس در حال احیاء شدن است.»

دانشمند شوروی اضافه کرد: «در سال ۱۹۷۹ انحصارات نفتی آمریکائی چهارصد و پنجاه میلیون تن نفت از کشورهای خلیج فارس خریداری کردند و از این مقدار تنها اندکی بیش از صد میلیون تن به آمریکا وارد شد و بقیه به کشورهای دیگر فروخته شد و سودهای بادآورده به جیب زده شد.»

آندراسیان نوشت: «بطور کلی آمریکا مجبور نیست چنین مقدار عظیمی نفت وارد کند، که تقریباً نیمی از نیازهای سوختی آن است. منابع نفتی بالقوه آمریکا عظیم و دست کم سه برابر ذخایر کشف شده کنونی است. اما برغم این واقعیت، آمریکا ترجیح می دهد که بیشتر منابع نفتی خود را دست نخورده نگه دارد و دیگر کشورهای نفت خیز در جهان رو به توسعه را وادار کند که صدور این محصول را، که جبران ناپذیر است، افزایش دهند.»

کارشناس برجسته شوروی نوشت: «در همان حال واشنگتن، منابع نفتی کشورهای دیگر را، برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی اعلام می کند، تا بدین ترتیب زمینه برای مداخله در امور داخلی آن کشورها آماده شود. واشنگتن این کشورها را به اشغال میدان های نفتی تهدید می کند.»

آندراسیان یادآور شد: «این سیاست امپریالیستی تنها به نفع انحصارات نفتی آمریکائی است. این انحصارات افزایش تولید نفت داخلی را، که بهاء آن تا پس از نفو کنترل قیمت ها در پایین ترین سطح بود، به سود خود نمی دانند، بنابراین معاملات نفتی در داخل، کمتر از نفت خریداری شده از «اروپا» و فروش آن در جاهای دیگر، پرمفعت بوده است.»

آندراسیان تاکید کرد: «انحصارات نفتی غرب امتیازهای اولیه را از دست داده اند، اما تا حد زیادی کنترل بازارهای نفتی را حفظ کرده اند. بنابراین بعنوان واسطه های دارای امتیازات مشخص فعالیت می کنند و کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه و دیگر کشورها باید قسمت بزرگی از نفت صادراتی خود را به آنها بفروشند.»

کارشناس نفتی برجسته شوروی همچنین تاکید کرد: «اروپا عموماً و اعضای خاورمیانه ای آن خصوصاً، بیشتر منبع نفت خام هستند

وزیر خارجه کوبا خواستار تحکیم همبستگی با سازمان آزادیبخش فلسطین و مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم شد. وی همچنین پیروزی خلق نامیبیا را در مبارزه برای استقلال که به تضعیف مواضع رژیم جمهوری آفریقای جنوبی و تحکیم کشورهای خط مقدم جبهه منجر شد مورد ستایش قرار داد.

وزیر خارجه کوبا افزود: «بدین دلیل است که نژادپرستان و متحدان آنها به تحریکات مسلحانه برای ایجاد عدم ثبات اوضاع در زامبیا، آنگولا، موزامبیک و زیمبابوه متوسل شده اند.»

وزیر خارجه کوبا تلاش های قدرتهای امپریالیستی را برای افزایش حضور نظامی خود در اقیانوس هند مورد حمله قرار داد و گفت سالهاست که کشورهای غیرمتعهد خواستار تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح شده اند. وی افزود کشور کوبا از هیچ تلاشی برای بهبود روابط کشورهای این منطقه بر اساس احترام متقابل، حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر خوداری نخواهد کرد. مالیرکا یادآور شد: «ما اکنون با چشم انداز «اتحاد مقدس» استعمارگران، نو استعمارگران، نژادپرستان، صهیونیستها و سوداگران مرگ روبرو هستیم. وظیفه جنبش عدم تعهد افزایش همبستگی بینکارجویانه با همه نیروهای ترقیخواه و با همه کسانی است که با مداخله امپریالیستی روبرو هستند.»

کنفرانس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد در دلی نو گام تازه ای برای مقابله با تشبثات امپریالیستی بود و همبستگی همه کشورهایی را که در راه تحکیم استقلال و آزادی مبارزه میکنند تقویت کرد.

چین به رژیم دارودسته صدام حسین اسلحه می فروشد

رادیو سوئد در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۹ خبر داد که دولت چین به دارودسته صدام حسین اسلحه می فروشد. خبرنگار رادیو سوئد در هنگام فاش ساختن این خبر در روزهای گذشته، از طریق بازرگانان خود در ایالات متحده آمریکا، ۱۵۰ میلیارد کرون سوئدی جنگ افزار در اختیار دولت عراق گذاشته است.

تا فرآورده های نفتی، و توسعه ناکافی صنعت تبدیل نفت خام به مواد دیگر، پیامد مستقیم دوره واگذاری امتیاز به شرکتهای نفتی است، یعنی زمانیکه انحصارات ترجیح میدادند در کشورهای صنعتی پالایشگاه ایجاد کنند و برای کشورهای تازه آزاد شده، نقش کوچک صادر کننده نفت خام را قائل شوند، بطوریکه کشورهای عضو اوپک اندکی بیشتر از ۷ درصد و کشورهای خاورمیانه اندکی بیشتر از ۶ درصد ظرفیت پالایشگاهها را در دست دارند.

کارشناس اتحاد شوروی در خاتمه یادآور شد: «قدرتهای غربی برای جلوگیری از رشد صنعت پالایش نفت در کشورهای در حال توسعه، مالیاتهای سنگین بر واردات فرآورده های نفت وضع می کنند، ولی بر واردات نفت خام مالیاتی وضع نمی کنند.»

مانور نظامی مشترک آمریکا و عمان امنیت و استقلال خلقهای منطقه را تهدید میکند

علی ناصر محمد رهبر جمهوری دیمکراتیک خلق یمن طی سخنان خود در اجتماع بزرگی که در عدن، پایتخت یمن دیمکراتیک برپا شده بود، اظهار داشت:

«مانور نظامی مشترک نیروهای مسلح آمریکا و عمان هدفش تهدید امنیت و استقلال خلقهای منطقه است.»

بطوریکه قبلاً اعلام شده، آمریکا قصد دارد که در هفته آینده مانور مشترک واحدانی از ارتش خود با ارتش عمان را در خاک عمان انجام دهد. رهبر جمهوری دیمکراتیک خلق یمن این قدرت نمائی نظامی آمریکا را محکوم کرده

دانشمند شوروی سیاست نو استعماری امپریالیسم در مورد نفت را تشریح کرد

روین آندراسیان کارشناس نفتی برجسته شوروی در مقاله مهمی در نشریه «تصویر جدید» اعلام کرد:

«تحلیل سیاست انحصارات نفتی دولتهای غربی در برابر کشورهای خاورمیانه ثابت می کند که نو استعمار نفتی، نه تنها از میان نرفته، بلکه برعکس در حال احیاء شدن است.»

دانشمند شوروی اضافه کرد: «در سال ۱۹۷۹ انحصارات نفتی آمریکائی چهارصد و پنجاه میلیون تن نفت از کشورهای خلیج فارس خریداری کردند و از این مقدار تنها اندکی بیش از صد میلیون تن به آمریکا وارد شد و بقیه به کشورهای دیگر فروخته شد و سودهای بادآورده به جیب زده شد.»

آندراسیان نوشت: «بطور کلی آمریکا مجبور نیست چنین مقدار عظیمی نفت وارد کند، که تقریباً نیمی از نیازهای سوختی آن است. منابع نفتی بالقوه آمریکا عظیم و دست کم سه برابر ذخایر کشف شده کنونی است. اما برغم این واقعیت، آمریکا ترجیح می دهد که بیشتر منابع نفتی خود را دست نخورده نگه دارد و دیگر کشورهای نفت خیز در جهان رو به توسعه را وادار کند که صدور این محصول را، که جبران ناپذیر است، افزایش دهند.»

کارشناس برجسته شوروی نوشت: «در همان حال واشنگتن، منابع نفتی کشورهای دیگر را، برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی اعلام می کند، تا بدین ترتیب زمینه برای مداخله در امور داخلی آن کشورها آماده شود. واشنگتن این کشورها را به اشغال میدان های نفتی تهدید می کند.»

آندراسیان یادآور شد: «این سیاست امپریالیستی تنها به نفع انحصارات نفتی آمریکائی است. این انحصارات افزایش تولید نفت داخلی را، که بهاء آن تا پس از نفو کنترل قیمت ها در پایین ترین سطح بود، به سود خود نمی دانند، بنابراین معاملات نفتی در داخل، کمتر از نفت خریداری شده از «اروپا» و فروش آن در جاهای دیگر، پرمفعت بوده است.»

آندراسیان تاکید کرد: «انحصارات نفتی غرب امتیازهای اولیه را از دست داده اند، اما تا حد زیادی کنترل بازارهای نفتی را حفظ کرده اند. بنابراین بعنوان واسطه های دارای امتیازات مشخص فعالیت می کنند و کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه و دیگر کشورها باید قسمت بزرگی از نفت صادراتی خود را به آنها بفروشند.»

کارشناس نفتی برجسته شوروی همچنین تاکید کرد: «اروپا عموماً و اعضای خاورمیانه ای آن خصوصاً، بیشتر منبع نفت خام هستند

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 444
15 February 1981

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹، منطقه پستی تهران